



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# مناسك حج



حضرت آية الله العظمى

آقاي حاج شيخ لطف الله صالحى كلبايبكاشي



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مناسک حج آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی

نویسنده:

لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

حضرت معصومه علیها السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	مناسک حج آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی
۸	مشخصات کتاب
۸	فضیلت حج
۹	احکام حج
۹	اقسام حج
۹	- حج قرآن
۹	- حج افراد
۱۰	- حج تمتع
۱۰	- عمره تمتع
۱۰	مستحبات إخراج عمره
۱۲	مکروهات احرام
۱۲	مواقیت احرام
۱۳	احکام میقات
۱۴	احکام إخراج بانوان
۱۵	نذر احرام پیش از میقات
۱۶	واجبات احرام
۱۷	۲۵ چیز بر محرم حرام است
۲۲	محل ذبح کفاره
۲۳	طواف عمره
۲۳	- مستحبات داخل شدن به حرم
۲۴	- مستحبات داخل شدن به مکه معظمه
۲۴	- مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام

۲۶	احکام طواف عمره تمتع
۲۶	شرایط طواف
۲۷	واجبات طواف
۲۹	مستحبات و مکروهات طواف
۳۱	نماز طواف
۳۱	مستحبات نماز طواف
۳۲	سعی
۳۲	- واجبات سعی
۳۳	- مستحبات سعی
۳۵	تقصیر
۳۵	مسائل حج تمتع
۳۶	احرام حج
۳۷	وقوف به عرفات
۳۸	مستحبات وقوف به عرفات
۴۱	وقوف به مشعر
۴۳	مستحبات وقوف به مشعر
۴۴	اعمال منی در روز عید
۴۴	رمی جمره عقبه
۴۵	مستحبات رمی
۴۵	قربانی
۴۷	مستحبات قربانی
۴۷	حلق یا تقصیر
۴۸	مستحبات حلق و تقصیر
۴۸	واجبات بعد از اعمال منی

- ۴۹ ..... مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء
- ۴۹ ..... ماندن در منی در شب‌های تشریق
- ۵۰ ..... رمی جمرات سه گانه
- ۵۰ ..... مستحبات منی در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
- ۵۱ ..... مستحبات بازگشت به مکه برای طواف وداع
- ۵۲ ..... دستور عمره مفرده
- ۵۲ ..... طواف وداع
- ۵۳ ..... استفتاءات حج
- ۵۶ ..... آداب تشریف به مدینه طیبه و زیارت
- ۵۷ ..... آداب زیارت
- ۵۷ ..... آداب زیارت مدینه منوره
- ۶۰ ..... زیارت امین الله
- ۶۱ ..... ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه
- ۶۲ ..... زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار
- ۶۳ ..... زیارت قبور شهداء احد رضوان الله علیهم
- ۶۳ ..... زیارت وداع
- ۶۴ ..... دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه
- ۶۹ ..... فهرست
- ۷۱ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## مناسک حج آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی، لطف‌الله، ۱۲۹۷-

عنوان و نام پدیدآور: مناسک حج / مطابق با فتاوی لطف‌الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر: قم: موسسه انتشارات حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص؛ ۱۱ × ۱۶/۵ م.

شابک: ۹۶۴-۹۱۹۷-۴۳-۴۵۰۰۰ ریال؛ چاپ هجدهم ۵۰۰۰ ریال

یادداشت: چاپ هجدهم: ۱۳۸۵.

موضوع: حج.

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه.

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۸/ص ۱۶م ۱۳۸۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۵۰۱۹

### فضیلت حج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ، عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَأَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، لَأَسَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

قال الله تعالى: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

حج بیت الله الحرام، در بین واجبات و فرائض دین اسلام دارای موقعیت خاص و جایگاه ویژه است.

حکمت‌ها و منافع تربیتی، اجتماعی و سیاسی آن بسیار است. حج، مدرسه عالی و دانشگاه ویژه است که در کلاس‌هایش بخش‌های مهمی از معارف قرآن کریم و تعالیم و هدایت‌های اسلام، ضمن عمل به ارکان و دستورات آن آموخته می‌شود.

اسلام حقیقی، که تسلیم محض در برابر احکام و اطاعت خالص از خداوند متعال است در عمل به برنامه‌های آن ظاهر می‌گردد. همه مواقف و مشاعر آن سازنده و موجب رشد فکر و پرواز روح به عوالم غیر متناهی و درس و جهاد با نفس و سیر در فضاها رحمانی و ملکوتی است.

حج، مشتمل بر عبادات و وظایف مهم دینی است مثل نماز، دعا، انفاق، خضوع و خشوع در درگاه الهی، خویشتن داری و صبر و بازداری از مشتتهیات، آشنایی با مسلمانان مسائل اجتماعی و سیاسی جهان اسلام و اعلاء، کلمه اسلام و ظهور نفوذ دعوت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در شرق و غرب و دورترین نقاط و حضور در یک اجتماع میلیونی از نمایندگان مردم سراسر جهان و امور بسیار دیگر، همه در حج مندرج است.

خلاصه؛ فضایل این فریضه بزرگ، بسیار بوده و ثواب‌هایی که برای یکایک آن اعمال مقرر است بی‌شمار می‌باشد. باید کسانی که به حج مشرف می‌شوند درک تشرّف انجام این مراسم نورانی و حضور در این اجتماع پر فیض را توفیقی بزرگ شمرده، خودسازی و استفاده‌های معنوی در هر کدام از مواقف آن را نصب العین خود قرار دهند. و مخصوصاً تعجیل فرج حضرت صاحب الامر ارواح



العالمین له الفداء را در همه آن مشاهد مقدسه از خداوند متعال مسئلت نمایند.

## احکام حج

مسئله ۱. بر هر مکلف مستطیع در تمام عمر یک بار حجۃ‌الاسلام واجب می‌شود که باید اعمال آن را بجا آورد.  
مسئله ۲. واجب است مستطیع در سال اول استطاعت به حج برود، و تأخیر آن بدون عذر، گناه کبیره است و اگر در سال اول نرفت، و تا سال بعد از استطاعت افتاد حج از او ساقط نمی‌شود، و باید به هر صورت ممکن حج نماید.

## اقسام حج

مسئله ۳. حج بر سه قسم است:

۱. حج تمتع و این وظیفه کسانی است که منازل آنان تا مکه معظمه ۱۶ فرسخ شرعی یا بیشتر باشد.  
۲ و ۳. حج قرآن و افراد و این وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که فاصله منازل آنان از مکه معظمه کمتر از ۱۶ فرسخ شرعی است. و بر آنها واجب است بعد از حج عمره مفرده بجا آورند.  
مسئله ۴. تعیین وظیفه نسبت به حجۃ‌الاسلام همان است که ذکر شد، اما در حج مستحبی اهل مکه هم می‌توانند حج تمتع بجا آورند، و اشخاصی که منزلشان از مکه ۱۶ فرسخ یا زیادتر، دور باشد می‌توانند حج قرآن یا افراد بجا آورند، بلی تمتع برای هر دو طایفه در حج مستحبی افضل است.

## – حج قرآن

کیفیت حج قرآن مانند حج افراد است در همه اعمال مگر اینکه حج افراد قربانی ندارد و در حج قرآن که مکلف قربانی به همراه خود می‌آورد باید همان قربانی را ذبح یا نحر کند و چنین شخصی مخیر است در عقد احرام بین اینکه تلبیه بگوید یا اشعار و یا تقلید نماید و به هر کدام ابتدا کرد احرامش بهمان منعقد می‌شود و چون حج افراد و قرآن خیلی مورد ابتلاء نیست به همین اشاره مختصر اکتفا می‌شود و وظیفه کسانی که عمره تمتع آنها به جهت بعض عذرهای مبدل به حج افراد می‌شود در جای خود بیان خواهد شد.

## – حج افراد

کیفیت و آداب و اعمال واجبه و مستحبه حج افراد مانند حج تمتع است، و در چند چیز با هم تفاوت دارند:

۱. مکلف باید از میقات‌های معروفه محرم شود و به عرفات برود برخلاف حج تمتع که از مکه محرم می‌شود بلی کسانی که وظیفه آنها حج تمتع است و از میقات برای عمره تمتع محرم می‌شوند و بعد به جهت عذری عمره آنها مبدل به حج افراد می‌شود یا همان احرام به عرفات می‌روند.

۲. قربانی ندارد.

۳. بعد از انجام آن باید عمره مفرده بجا آورد.

۴. جایز است برای کسیکه حج افراد بجا می‌آورد که طواف زیارت و سعی را قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام دهد لیکن مکروه است و ترک آن احوط است برخلاف حج تمتع که در آن تقدیم طواف و سعی بر وقوفین جایز نیست مگر در وقت اضطرار که در مسائل آینده ذکر می‌شود.

**— حج تمتع**

چون نوع واجب حج بر فارسی زبانان و ایرانیان بلکه بر بیشتر مسلمانان حج تمتع است، احکام و مسائل حج تمتع مشروحاً بیان خواهد شد انشاء الله تعالی.

مسئله ۵. حج تمتع، مرکب از دو عبادت است که اول را عمره تمتع و دوم را حج تمتع گویند، و باید عمره تمتع قبل از حج تمتع بجا آورده شود. و اگر کسی به شرحی که گفته خواهد شد بواسطه عذری نتواند عمره تمتع را پیش از حج تمتع بجا آورد، حج او حج افراد می‌شود.

مسئله ۶. در انجام حج هم مانند سایر عبادات دیگر قصد قربت لازم است، و همین مقدار که پیش از پوشیدن لباس احرام، قصد کند بجا آوردن عمره و حج واجب خود را برای خدا کافی است، و لازم نیست که در ابتدا، صورت حج تمتع را بداند، پس اگر وقتی که می‌خواهد احرام ببندد تمام کارهای واجب حج را نداند ولی نیت کند که برای اطاعت امر خداوند متعال عمره و حج واجب خود را بجا می‌آورم، و قصدش این باشد که بعد از مشغول شدن به عمل، هر چه را لازم است مطابق رساله‌ای که نزد او می‌باشد، یا مطابق دستور مجتهد یا عالم مورد وثوق که همراه اوست انجام دهد کفایت می‌کند، و عمل او صحیح است.

**— عمره تمتع**

مسئله ۷. اول از کارهای حج تمتع، عمره تمتع می‌باشد و کارهای واجب عمره تمتع پنج چیز است:

۱. احرام.

۲. طواف خانه کعبه.

۳. دو رکعت نماز طواف.

۴. سعی بین صفا و مروه.

۵. تقصیر.

که در شرح احکام هر یک خواهد آمد، ان‌شاء الله تعالی.

**مستحبات احرام عمره**

مسئله ۸. کارهایی که پیش از احرام، و در وقت مهتیا شدن برای احرام و در حال بستن احرام و بعد از آن، مستحب است ده چیز است:

۱. پیش از احرام پاکیزه کردن بدن و گرفتن ناخن و شارب و زائل کردن موی زیر بغل و موی عانه (زیر شکم) با نوره.

۲. غسل احرام در میقات، و هر گاه احتمال دهد که در میقات آب نباشد، جایز است که پیش از رسیدن به میقات غسل کند. و اگر پیش از میقات غسل کرد و در میقات آب یافت، مستحب است که در میقات دوباره غسل کند، و اگر بعد از غسل خواب برود، یا چیزی را که خوردنش و یا پوشیدنش برای محرم جائز نیست بخورد یا بپوشد، یا استعمال بوی خوش کند، مستحب است دوباره غسل را بجا آورد. و اگر محدث، به حدث اصغر، غیر از خواب بشود، بهتر است رجاءاً غسل را اعاده کند، و غسل روز برای شب و غسل شب برای

روز کفایت می‌کند، خصوصاً اگر غسل شب در آخر شب، و غسل روز در آخر روز باشد، و بهتر آن است که به غسل اول روز برای روز و به غسل اول شب برای شب اکتفا کند. و غسل احرام بر حائض و نفسا نیز مستحب است و شرط احرام، طهارت از حدث

نیست.

۳. خواندن این دعا در وقت غسل است:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِزْزًا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسِقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجْرْ عَلَى لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَمَدْحَتَكَ وَالثَنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ، وَالْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۴. نتراشیدن و نگرفتن موی سر و ریش از اول ذیقعه بنا بر مشهور بین علما مستحب است، بلکه احوط و اولی ترک آن است، و نگرفتن موی سر برای زن‌ها هم از اول ذیقعه بعید نیست مستحب باشد.

۵. آن که بعد از نماز ظهر محرم شود، و اگر در وقت نمازهای دیگر می‌خواهد محرم شود بعد از یکی از آن‌ها، و اگر نه، بعد از نماز قضا احرام ببندد، و اگر نماز قضا بر ذمه ندارد شش رکعت نماز یا حداقل دو رکعت نماز بخواند، و در رکعت اول، بعد از حمد، سوره قل هو الله احد (توحید) و در رکعت دوم، بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرؤن (جحد) را بخواند، و چون از نماز فارغ شود و بخواند نیت احرام کند، حمد و ثنای خدا بجای آورد، و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم بفرستد و این دعاء را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَأَمِنَ بِوَعْدِكَ وَأَتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَفَيْتَ وَلَا أُخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتُ الْحَجَّ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَغْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَ فِي يُشِيرِ مِنْكَ وَعَافِيَهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمُ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصَبِي مِنَ النَّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ ابْتِغَى بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ.

پس دو جامه احرام را بطوری که در واجبات گفته می‌شود بپوشد.

۶. جامه احرام از پنبه باشد، و در حال پوشیدن احرام بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدِّي فِيهِ فَوْضَتِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُه فَبَلَّغَنِي وَارْتَدْتُه فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلِّمْنِي فَهُوَ حَضِينِي وَكَهْفِي وَحِزْرِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَمَلْجَأِي وَمَنْجَأِي وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي.

۷. نیت احرام را به زبان بیاورد، و چنان که در واجبات احرام هم گفته خواهد شد واجب است مقارن نیت بگوید:

لَيْتِيكَ اللَّهُمَّ لَيْتِيكَ لَيْتِيكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِيكَ.

و بنا بر احتیاط واجب جمله ذیل را هم بگوید:

إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

و بهتر آن است که بعد از این جمله، یک لیتیک دیگر نیز بگوید.

۸. پس از آن مستحب است بگوید:

لَيْتِيكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ ذَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ أَهْلَ التَّلِيَّةِ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ تَبِيدُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ مَرْغُوبًا وَمَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ لَيْتِيكَ، لَيْتِيكَ يَا كَرِيمُ لَيْتِيكَ.

و این جمله را نیز به رجاء استحباب بخواند:

لَيْتِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ بِعُمْرَةٍ.

و در احرام حج بگوید: لَيْتِكَ بِحَجَّةٍ و پس از آن، در عمره تمتع بگوید:

لَيْتِكَ، لَيْتِكَ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةٍ إِلَى الْحَجِّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ تَلْبِيَةً تَمَامَهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ.

۹. مرد تَلْبِيَةَ را بلند بگوید مگر در میقات مدینه، که در آن جا بهتر آن است که اگر سواره است آهسته تَلْبِيَةَ بگوید، و وقتی که زمین بیداء (هموار) نمایان شود بلند بگوید، و کسی که از مکه محرم به حج می‌شود مستحب است وقتی که به (رقطاء) می‌رسد، یا مشرف بر (ابطح) شود بلند بگوید.

۱۰. در وقت بیدار شدن از خواب، و عقب هر نماز واجب و مستحب، و وقت رسیدن به منزل، و وقتی که به سواره برسد، و وقت سوار شدن، و وقت بالا رفتن بر تلی، و پائین رفتن از سرایشی نیز تلبیه بگوید، و در سحرها بسیار بگوید، هر چند جنب یا حیض باشد، و در عمره تمتع تلبیه را قطع نکند در عمره تمتع تا خانه‌های مکه را ببیند، و در حج تمتع تا ظهر روز عرفه تلبیه بگوید.

## مکروهات احرام

مسأله ۹. در احرام، ده چیز مکروه است:

۱. پوشیدن لباس سیاه، بلکه اولی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبره استثناء شده است.

۲. خوابیدن در رختخواب و بالش زرد رنگ، و هم چنین مکروه است محرم شدن در جامه کثیف. و سزاوار است جامه احرام نظیف باشد، و بهتر آن است که تا نجس نشود آن را نشوید.

۳. حنا بستن بدون قصد زینت، ولی با قصد زینت خلاف احتیاط است، بلکه احتیاط آن است که مطلقا حنا نبندد، حتی پیش از احرام در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی بماند، و نیز مکروه است برای زن پیش از احرام حنا بستن، هر گاه رنگ آن تا حال احرام باقی بماند.

۴. حمام رفتن و سائیدن بدن.

۵. لَیْتِیک گفتن در جواب کسی که او را بخواند.

۶. شستن بدن با آب سرد.

۷. مبالغه در مسواک کردن و سائیدن رو.

۸. کشتی گرفتن، و هر کاری که در آن بیم مجروح شدن، یا افتادن موی از بدن باشد.

۹. شعر خواندن.

۱۰. استعمال ریاحین و گل‌های خوشبو، و بهتر ترک شستن سر، به سدر و خطمی می‌باشد.

## مواقیت احرام

مسأله ۱۰. محلی را که در آن احرام بستن واجب است میقات گویند و هر کس باید در آن میقاتی که در راه او به مکه است محرم شود به این شرح:

۱. مسجد شجره و آن میقات اهل مدینه و کسانی است که از راه مدینه منوره به مکه مشرف می‌شوند، مثل بسیاری از حاجیان ایران و آن را ذوالحلیفه نیز می‌نامند، و اکنون به آبار علی معروف است. و فاصله آن، بنابر نقل بعضی تا مکه ۴۶۴ کیلومتر است، و تا

مدینه تقریباً هفت کیلومتر است. و بهتر بلکه احوط آن است که در داخل مسجد محرم شوند و جنب و حائض در حال عبور از داخل مسجد محرم شوند. و اگر از پشت مسجد هم محرم شوند، صحیح است. و در وقت ضرورت، احرام بستن را تا میقات اهل شام که جحفه است می‌توانند به تأخیر اندازند، و در جحفه محرم شود.

۲. جُحفه، و آن میقات اهل جحفه و نواحی آن، و میقات مردم مصر و شام و شهرهای مغرب و اروپا می‌باشد، و هم اکنون بعضی ایرانیان هم از آنجا محرم می‌شوند و هر کسی که از کانال سوئز به قصد مکه عبور می‌کند، باید در دریا در محاذات جحفه محرم شود، و تقریباً مسافت بین مکه و جحفه ۲۲۰ کیلومتر است و به رابع نزدیک است و احرام از رابع مجزی نیست.

۳. وادی عقیق، و آن میقات اهل نجد و عراق و کسانی است که از آن طریق به حج می‌روند، و افضل آن است که از اول آن، که مسلخ است - اگر بطور یقین معلوم شود - محرم گردند، والا وقتی که یقین کردند به وادی عقیق رسیده‌اند پیش از رسیدن به ذات عرق محرم شوند. و اگر بواسطه تقيه ناچار شوند از تأخیر احرام تا ذات عرق، قبل از آن که به آنجا برسند در لباسی که پوشیده‌اند، نیت احرام نموده، و آهسته تلبیه بگویند. و اگر ممکن شود لباس‌های خود را بیرون آورده، و دو جامه احرام را بپوشند، و بعد لباس احرام را درآورده و لباس خود را بپوشند، و به جهت آن - بطوری که گفته خواهد شد - فدیة دهند، و هر گاه که به ذات عرق رسیدند آنجا جامه احرام را بپوشند.

۴. قرن المنازل کوهی است مشرف به عرفات، در ۹۴ کیلومتری مکه، و آن میقات اهل طائف و نواحی آن و کسانی است که از آن طریق به مکه مشرف می‌شوند.

۵. یلملم کوهی است از کوه‌های تهامه، در ۹۴ کیلومتری مکه، و آن میقات اهل یمن و کسانی است که از آن طریق به حج مشرف می‌شوند.

## احکام میقات

مسأله ۱۱. لازم است تحصیل علم، یا بینة شرعیه، به رسیدن به میقاتی که باید در آن محرم شود، و اگر تحصیل هیچیک ممکن نشود، اکتفا به ظن حاصل از گفته اهل اطلاع و معرفت به آن اماکن جایز است.

مسأله ۱۲. هر کس منزل او از این میقات‌ها به مکه نزدیکتر باشد، یعنی منزل او بعد از یکی از این میقات‌ها باشد، میقات او همان منزل اوست که از همانجا باید محرم شود.

مسأله ۱۳. بهتر آن است که از راهی برود که از یکی از میقات‌ها عبور کند، و اگر از راهی می‌رود که به هیچ یک از این پنج میقات عبور نمی‌کند، باید در محاذی هر میقاتی که ابتداءً از آن عبور می‌کند احرام ببندد، هر چند که نسبت به میقات دیگر دورتر از مکه باشد، یا فاصله‌اش با اصل میقات بیشتر باشد، و اگر بعد از آن، در راه خود به محاذات میقات دیگر رسید در آنجا هم تجدید احرام کند.

مسأله ۱۴. اگر کسی احرام بستن از میقات را فراموش کند، بعد از آن که یادش آمد - خواه بعد از داخل شدن به حرم یادش بیاید یا پیش از وارد شدن به حرم - اگر برگشتن به میقات ممکن است، برگردد و از میقات محرم شود، و اگر برگشتن به میقات ممکن نیست، احتیاط واجب آن است که هر مقدار ممکن است بسوی میقات برگردد و از آنجا محرم شود، و اگر برگشتن هیچ ممکن نیست، از همان مکان خود احرام خود را ببندد، و هم چنین است حکم برای جاهل، مثل آن که زن حائض گمان کرده که احرام برای او صحیح نیست و بدون احرام از میقات گذشته است.

مسأله ۱۵. در احرام، طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر شرط نیست، پس جایز است شخص جنب و زن حائض و نفسا محرم شوند، بلکه اگر وقت نباشد که صبر کند تا از حیض و نفاس پاک شود، واجب است با همان حال از میقات احرام ببندد، و غسل

احرام برای حائض و نساء مستحب است.

## احکام احرام بانوان

مسئله ۱۶. زن اگر در حال حیض محرم شود به احرام عمره تمتع، و گمان کند که برای عمره پاک می‌شود، ولی پاک نشود، تا وقت آن بگذرد، حج او مبدل به افراد می‌شود، و لازم است با همان احرام به عرفات و مشعر برود، و وقوفین را با مردم بجا آورد، و بعد به منی بیاید، و اعمال منی را انجام دهد، و در حج افراد قربانی واجب نیست، و روز دوازدهم یا سیزدهم به مکه مراجعت نماید و در آنجا بماند، هر وقت پاک شد طواف زیارت و نماز آن را بجا آورد، و بعد سعی بین صفا و مروه نماید، پس از آن طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، و آن‌گاه به خارج حرم رفته و محرم شود به احرام عمره مفرده، و به مکه آمده و اعمال عمره را تمام نماید.

مسئله ۱۷. در مسئله سابق اگر آن زن نمی‌تواند بماند تا پاک شود - مثلاً همسفرهای او مهلت نمی‌دهند و ناچار از مراجعت است - باید برای طواف زیارت و نماز آن نایب بگیرد، و پس از آن که نایب، طواف و نماز آن را بجا آورد، آن زن سعی بین صفا و مروه نماید، و پس از آن برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد، و بعد برود خارج حرم و محرم به احرام عمره مفرده شود و بیاید مکه، و برای طواف عمره و نماز آن نایب بگیرد، و بعد خودش سعی بین صفا و مروه نماید، و بعد تقصیر کند و بعد برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

مسئله ۱۸. اگر زن در میقات پاک باشد و محرم شود به احرام عمره تمتع، و قبل از طواف عمره، حائض شود و پاک نشود تا وقت عمره بگذرد، عدول به حج افراد نموده، و بنحوی که قبلاً ذکر شد عمل نماید.

مسئله ۱۹. اگر زن در حال احرام پاک بود و محرم به احرام عمره تمتع شد، و در بین طواف حائض شد، واجب است فوراً از مسجد الحرام خارج شود، پس اگر بعد از چهار شوط حائض شده، عمره تمتع او صحیح است، می‌رود سعی بین صفا و مروه می‌نماید و بعد تقصیر می‌نماید، و از عمره محل می‌شود، و بعد در خارج از مسجد در مکه محرم شود به احرام حج، و اعمال عرفات و مشعر و منی را بجا آورد، و بعد از مراجعت از منی هر وقت پاک شد طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را به ترتیب بجا آورد، پیش از طواف حج آن‌چه از طواف عمره و نماز طواف باقی مانده آن را بجا آورد، و احتیاطاً سعی را هم اعاده نماید، هر چند لازم نیست، و اگر قبل از پاک شدن ناچار است از مراجعت به وطن، برای کسری طواف عمره و نماز آن و برای طواف زیارت و نماز آن نایب بگیرد، و بعد از آن که نایب، طواف و نماز آن را بجا آورد خودش سعی نماید، و بعد برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد و اگر بعد از سه شوط و نیم و پیش از تمام شدن شوط چهارم حائض شود احوط این است که سعی بین صفا و مروه را رجاءاً به قصد سعی عمره تمتع انجام دهد و تقصیر کند و در خارج مسجد در مکه، به احرام حج تمتع، رجاءاً محرم شود و اعمال عرفات، مشعر و منی را به قصد ما فی الذمه از حج تمتع یا افراد بجا آورد و بعد از مراجعت از منی هر وقت پاک شد باقی مانده طواف عمره و سعی را رجاءاً قبل از طواف زیارت بجا آورد و طواف زیارت و نماز آن و رجاءاً سعی و طواف نساء و نماز آن را به قصد ما فی الذمه بجا آورد، سپس یک عمره مفرده بجا آورد و احتیاطاً برای تقصیر کفاره بدهد.

مسئله ۲۰. اگر زن در میقات پاک است، لکن احتمال می‌دهد که قبل از طواف عمره حائض شود و پاک نشود، تا وقت عمره بگذرد، یا آن که در میقات حائض باشد و احتمال بدهد پاک نشود تا وقت عمره بگذرد، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند محرم می‌شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، پس اگر قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال را تمام کند و محل شود، و بعد اعمال حج را بجا آورد و حج تمتع او صحیح است و اگر پاک نشد، با همان احرام اعمال حج را بجا آورد و بعد عمره مفرده بجا آورد، و حج او حج افراد است. و اگر فرصت طواف‌ها را ندارد بنحوی که در مسائل گذشته ذکر شد برای طواف‌ها نایب بگیرد.

مسئله ۲۱. اگر زن در میقات حائض است و یقین دارد پاک نمی‌شود تا وقت عمره تمتع بگذرد، یا آن که در میقات پاک است و یقین دارد قبل از طواف عمره حائض می‌شود و پاک نمی‌شود تا وقت عمره بگذرد جمعی فرموده‌اند: واجب است از میقات محرم به حج افراد شود، لیکن چون این یقین بر حسب عادت است و امکان دارد برخلاف عادت پاک شود، و یا در فرع دوم در حیض تأخیر شود، احتیاطاً مسئله قبل را ترک نکند و به همان نحو عمل نماید.

مسئله ۲۲. اگر زن چون یقین داشت برای عمره تمتع پاک نیست به قصد حج افراد محرم شد، و اتفاقاً در مکه بر خلاف عادت پاک شد، لازم است از حج افراد - عدول به عمره تمتع کند - یعنی طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد و تقصیر نماید، و بعد برای حج محرم شود و اعمال حج را بجا آورد، و این مخصوص کسی است که مکلف به حج تمتع باشد، و اما کسی که حج افراد هم از او صحیح است مختار است که عدول نماید به تمتع یا حج افراد را تمام کند.

مسئله ۲۳. اگر زن در بین طواف قبل از سه شوط و نیم حائض شود، و تا گذشتن وقت عمره پاک نشود، حکم حائض شدن قبل از طواف را دارد، و عمره تمتع او باطل است، و واجب است عدول به حج افراد نماید بنحوی که گذشت.

مسئله ۲۴. اگر کسی احرام را فراموش نماید، و تا بعد از انجام جمیع واجبات به خاطرش نیاید، اقوی صحت آن عمره است، و جاهل به مسئله در حکم ناسی است، و هم چنین است حکم، در ترک تلبیه جهلاً یا نسیاناً.

مسئله ۲۵. اگر کسی عمداً احرام را ترک کند، و برگشتن به میقات ممکن نباشد اقوی فساد عمره اوست، اگر چه احوط آن است که از هر مکانی که ممکن باشد محرم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضاء آن را بجا آورد.  
جده میقات نیست

مسئله ۲۶. میقات بودن جده به نظر حقیر محرز نیست، لذا اشخاصی که از ایران یا سایر ممالک از طریق هوایی وارد جده می‌شوند، لازم است یا قبل از حرکت نذر کنند که در محل خود محرم شوند، و بعد از احرام حرکت کنند، و برای نشستن زیر سقف یک گوسفند کفاره در مکه ذبح نمایند، در این صورت از هر طریق بخواهند می‌توانند وارد مکه شوند، و با همان احرام اعمال عمره را بجا آورند و تجدید نیت هم لازم نیست، هر چند از یکی از میقات‌ها عبور نمایند و یا آن که اگر نذر نمی‌کنند لازم است در این حرکت، عازم ورود به مکه نباشند، بلکه قصد کنند که می‌رویم جده که از آن جا به یکی از میقات‌ها برویم، و در این صورت واجب است پس از ورود به جده به یکی از میقات‌ها بروند و از آن جا محرم شوند، چنانچه با این فرض نتوانستند به میقات بروند، احتیاطاً هر مقدار ممکن است بجانب میقات بروند محرم شوند، و اگر نتوانستند بجانب میقات بروند، در جده محرم شوند، و در حدیبیه و یا جعرانه یا ادنی الحل احتیاطاً تجدید نیت کنند، و در غیر این صورت در جده نمی‌توانند محرم شوند.

### نذر احرام پیش از میقات

مسئله ۲۷. چنانچه گفته شد پیش از رسیدن به میقات یا محاذات آن، احرام بستن جائز نیست، ولی اگر کسی نذر کند که پیش از رسیدن به میقات در محل معینی محرم شود، مثلاً نذر کند که در تهران یا مشهد یا کوفه محرم شود باید به نذر خود وفا کند، و در همان محل معین که نذر کرده است احرام ببندد، و احرام او صحیح است.

مسئله ۲۸. برای صحت نذر احرام قبل از میقات، کافی است بگوید مثلاً:

لِهُتْرٍ عَلٰی اَنْ اُحْرِمَ مِنْ طَهْرَانَ

یا فارسی بگوید:

از برای خدا بر من است که از تهران محرم شوم.

مسئله ۲۹. در هر جا که تشخیص میقات یا محاذات آن به علم یا ظن معتبر ممکن نشود، بهتر آن است که نذر کند پیش از میقات یا



پیش از محاذات میقات، در محل معینی احرام ببندد، و از همان محلی که نذر کرده محرم شود.

مسئله ۳۰. اگر در وقت نذر احرام پیش از میقات، بنا داشته باشد که با وسیله سقف دار مثل هواپیما یا کشتی یا اتومبیل مسقف حرکت نماید، نذر او صحیح است، ولی مرد باید تا ممکن می‌شود در حال حرکت و طی منزل، زیر سقف ننشیند، و اگر مضطر باشد جایز است، و كفاره دارد که در بحث كفاره ذکر می‌شود.

مسئله ۳۱. کسی که می‌خواهد با هواپیما به حج برود، اگر ناچار باشد و طور دیگر ممکن نباشد، جایز است نذر کند از محل خود محرم شود، ولی در حین احرام قصد کند که تا بتوانم تظلیل نکنم، و با اضطرار، هر چند از جهت ضیق وقت باشد یا وسیله‌ای غیر آن نباشد، جایز است به هواپیما سوار شود، و برای تظلیل فدیة بدهد، لیکن اگر هواپیما شب حرکت کند و جوب فدیة معلوم نیست، ولی مطابق احتیاط است.

## واجبات احرام

مسئله ۳۲. واجبات احرام سه چیز است:

اول - پوشیدن دو جامه احرام، و واجب است که یکی از آنها از ناف تا زانو را بپوشاند که آن را لنگ گویند، و دیگری باید بر دوش انداخته شود، و بقدری باشد که شانه‌ها را بپوشاند و آن را ردا گویند، و احتیاط لازم آن است که پیش از نیت و گفتن تلبیه‌های واجب، لباس دوخته را درآورد، و لباس احرام را بپوشد و بعد نیت کند، و احتیاط مستحب آن است که زن‌ها نیز این دو جامه را بپوشند، و در آوردن لباس دوخته بر آنها واجب نیست، و جایز است بانوان بعد از احرام، دو جامه احرام را بیرون بیاورند، و با لباس خودشان باشند، و بهتر آن است که در حال سعی و طواف دو جامه احرام را در برداشته باشند.

مسئله ۳۳. احرام باید در لباسی باشد که نماز خواندن در آن صحیح باشد، پس اگر لباس احرام حریر (ابریشم) خالص باشد، یا از اجزای حیوان حرام گوشت، یا نجس باشد به نجاستی که در حال نماز از آن عفو نشده یا غصبی باشد، احرام در آن صحیح نیست، ولی اگر لباس احرام به نجاستی که نماز خواندن با آن صحیح است نجس باشد، مثل خون زخم و جراحت و دمل ضرر ندارد.

مسئله ۳۴. باید پارچه‌ای که از ناف تا زانو را می‌پوشاند، بقدری نازک نباشد که پوست بدن از زیر آن نمایان باشد، و احوط در پارچه‌ای که بدوش انداخته می‌شود نیز این است، که به حدی که گفته شد نازک نباشد.

مسئله ۳۵. اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض کند و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند.

مسئله ۳۶. جامه احرام زن نیز مثل جامه احرام مرد، باید از ابریشم خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که سایر لباس‌های او نیز از ابریشم خالص نباشد.

مسئله ۳۷. احتیاط واجب آن است که لباس احرام بافتنی باشد، چه محرم مرد باشد و چه زن، و از پوست یا مثل نمذ مالیده نباشد، و هم چنین از اجناس جدید مثل پلاستیک و نایلون و امثال آن اگر بافته نیستند، نباشد.

دوم - از واجبات احرام، نیت است، یعنی قصد کند که احرام می‌بندم برای عمره تمتع حجۃ الاسلام به جهت اطاعت فرمان خداوند عالم. و معنای احرام بستن، آن است که برای توجه به مکه، و بجا آوردن اعمال حج و عمره، بر خود قرار دهد و ملتزم شود کارهایی را که در عمره تمتع بر او حرام است ترک نماید، و مستحب است که نیت احرام را به زبان بیاورد چنانچه گذشت.

سوم - گفتن چهار تلبیه است بعد از نیت، و صورت آن این است که بگوید:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ،

و بنا بر احتیاط واجب جمله ذیل نیز گفته شود.



إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ

و بهتر، اضافه یک لَئِيكَ دیگر است بعد از لا شَرِيكَ لَكَ، و واجب است که این عبارت را به عربی صحیح بگویید، و احوط و اولی کسر همزه اِنَّ و فتح کاف الملک است، و واجب است کسی که این عبارت را نمی‌داند به طور صحیح آن را یاد بگیرد، یا کسی به او در وقت گفتن تلقین کند، و اگر ممکن نشد، به هر صورت که می‌تواند بگوید، و ترجمه‌اش را به فارسی یا زبان دیگر بگوید، و نایب هم بگیرد رجاءاً که از طرف او بطور صحیح بگوید.

مسأله ۳۸. مکرر گفتن این چهار تلبیه مستحب است، و بیش از یک مرتبه گفتن آن واجب نیست.

مسأله ۳۹. شخص محرم تا محل نشده جایز نیست لباس دوخته بپوشد، ولی بیرون آوردن لباس احرام برای او در صورتی که ناظر محترم نباشد جایز است.

مسأله ۴۰. هر گاه پوشیدن لباس احرام را فراموش نماید، و پیش از آن که مشغول طواف شود، بخاطرش بیاید، احوط آن است که به میقات برگردد، و لباس احرام را بپوشد، و تلبیه را هم رجاءاً بگوید، و اگر برگشتن به میقات ممکن نباشد، هر مقدار ممکن است برگردد، و در آنجا بپوشد، و اگر برگشتن اصلاً ممکن نشود، هر جا به خاطرش آمد همانجا لباس احرام بپوشد، و تلبیه را بنحوی که ذکر شد بگوید، و اگر با تمکن برنگشت، و هر جا یادش آمد لباس احرام پوشید، احرام او صحیح است علی الظاهر، گرچه خلاف احتیاط است.

مسأله ۴۱. معلوم شد که احرام این است که شخص ملتزم شود، و بر خود قرار دهد، ترک کارهایی را که در حال احرام حرام است. پس لازم است آن کارها را، پیش از نیت احرام بطور اجمال بشناسد، تا در موقع نیت، ترک آن‌ها را بر خود قرار دهد، و کفایت می‌کند که در نظر داشته باشد ترک محرماتی که در مناسک نوشته شده، و لازم نیست که بطور تفصیل در وقت احرام آن کارها در نظرش باشد.

## ۲۵ چیز بر محرم حرام است

- ۱- شکار حیوان صحرائی.
- ۲- جماع (نزدیکی) با زن و سایر لذات.
- ۳- عقد کردن زن.
- ۴- شاهد عقد شدن.
- ۵- استمناء.
- ۶- بوئیدن بوی خوش و گرفتن بینی از بوی بد.
- ۷- پوشیدن چیز دوخته برای مرد.
- ۸- سرمه کشیدن.
- ۹- نگاه کردن در آینه.
- ۱۰- پوشیدن روی پا برای مرد.
- ۱۱- دروغ گفتن و فحش دادن.
- ۱۲- قسم خوردن.
- ۱۳- کشتن جانوران بدن.
- ۱۴- برای زینت انگشتر بدست نمودن.

- ۱۵ - پوشیدن زیور برای زن.
  - ۱۶ - مالیدن روغن به بدن.
  - ۱۷ - زایل نمودن مو از بدن.
  - ۱۸ - پوشاندن مرد سر و گوش خود را.
  - ۱۹ - پوشاندن زن صورت خود را.
  - ۲۰ - استظلال برای مرد.
  - ۲۱ - بیرون آوردن خود از بدن خود.
  - ۲۲ - ناخن گرفتن.
  - ۲۳ - کندن دندان.
  - ۲۴ - کندن درخت حرم.
  - ۲۵ - بستن آلات حرب بر بدن.
- و تفصیل این امور به شرح ذیل است:

اول - شکار حیوان صحرائی وحشی، حلال گوشت باشد یا حرام گوشت، مثل روباه و خرگوش و آهو و ملخ و طیور، و حرام است کمک به صیاد، و نشان دادن شکار به او، و خوردن گوشت آن، و نگاه داشتن آن، هر چند پیش از احرام مالک آن شده باشد. و هر حیوانی که شکار کردن آن بر محرم حرام است، برداشتن تخم و جوجه آن نیز، بر محرم حرام است.

مسئله ۴۲. صید حیوانات وحشی در حرم، و هم چنین برداشتن جوجه و تخم آن‌ها و خوردن آن بر غیر محرم نیز حرام است.

مسئله ۴۳. شکار حیوان دریائی و کشتن حیوان اهلی، مثل گاو و گوسفند و شتر و خوردن گوشت آن‌ها بر محرم حلال است، و هم چنین کشتن حیوان صحرائی وحشی که از اذیت آن ترس داشته باشد، مانعی ندارد.

مسئله ۴۴. محرم شکار وحشی را مالک نمی‌شود، و اگر کسی آن را به او بفروشد یا ببخشد ملک او نمی‌شود، و اگر پیش از احرام آن را شکار کرده باشد و با خود آورده باشد، وقتی محرم شد از ملک او بیرون می‌رود و باید آن را رها کند.

مسئله ۴۵. اگر محرم حیوانی را که شکارش حرام است بکشد، باید کفاره بدهد. و تفصیل آن را در کتاب‌های حج، فقها ذکر فرموده‌اند.

مسئله ۴۶. اگر محرم صیدی را ذبح کند میته است، و خوردن آن بر محرم، و محل حرام است.

دوم - جماع کردن با زن و بوسیدن، و بازی کردن، و نگاه کردن به شهوت به او است بلکه بردن هر لذتی از زن حرام است، هر چند حلال خودش باشد، و لذت بردن مرد محرم از زن نامحرم، و یا مرد از مرد، علاوه بر آن که پیش از احرام حرام بوده، بواسطه احرام مؤکد می‌شود.

مسئله ۴۷. اگر کسی با علم و عمد، در عمره تمتع جماع کند، خواه در فرج باشد یا در دبر، اگر پیش از سعی باشد بنا بر مشهور عمره او فاسد است، و باید احتیاطاً آن را تمام کند، و بعد از تمام کردن عمره، پیش از حج، واجب است عمره را اعاده نماید، و یک شتر کفاره بر او واجب است. و اگر وقت اتمام و اعاده ندارد، آن را به قصد ما فی الذمه، از اتمام و تمام اعاده نماید. و اگر به واسطه تنگی وقت نتواند، آن را پیش از حج اعاده کند، ولی می‌تواند اتمام کند، اتمام کند، و تقصیر نماید. و احتیاطاً به یکی از مواقیت برود، و محرم به احرام حج افراد شود، و اگر وقت تنگ است هر چه می‌تواند بطرف میقات برود و محرم شود و به مکه بیاید، و در مکه نیز احتیاطاً محرم به احرام حج تمتع شود، و سایر اعمال را بقصد ما فی الذمه از حج تمتع یا افراد بجا آورد، و بعد یک عمره مفرد بجا آورد. و احوط اعاده حج است در سال آینده. و اگر بعد از سعی جماع کند فقط یک شتر، کفاره بر او لازم است، و حج

او صحیح است.

مسئله ۴۸. اگر کسی در احرام حج جماع کند، اگر پیش از وقوف به عرفات و مشعر بوده حج او فاسد است، و باید آن را تمام کند، و در سال دیگر قضاء آن را بجا آورد. و هم چنین است حکم، بنابر اشهر، اگر بعد از وقوف به عرفات و پیش از مشعر جماع کند، و باید در هر دو صورت تا تمام شدن مناسک حج بین زن و شوهر جدائی باشد، یا شخصی ثالثی نزد آنان باشد، و این حکم در سال بعد نیز که حج می‌کنند و به این محل می‌رسند در حق ایشان جاری است، و حکم زن، مثل حکم مرد است اگر راضی باشد، و اگر مرد، او را مجبور نموده حج زن صحیح است، و دو كفاره بر مرد است. و اگر بعد از وقوف عرفات و مشعر باشد در صورتی که پنج شوط از طواف نساء را بجا نیاورده باشد فقط كفاره بر او لازم است و حج او صحیح است، و بعد از پنج شوط، كفاره بر او نیست اگر چه احوط است.

مسئله ۴۹. كفاره بوسیدن زن اگر از روی شهوت باشد یک شتر است، و اگر به غیر شهوت نیز باشد، بنابر احتیاط واجب، یک شتر است.

مسئله ۵۰. اگر محرم عمداً از روی شهوت به زن خود نگاه کند و منی از او بیرون آید، یا زن خود را ببوسد، كفاره آن یک شتر است، و اگر به غیر عیال خود نگاه کند و منی از او بیرون آید، بنابر احتیاط واجب كفاره آن یک شتر است، و اگر نتواند، یک گاو و اگر آن را هم نتواند یک گوسفند كفاره بدهد.

سوم - آن که، زنی را برای خودش یا برای شخص دیگر عقد کند، اگر چه آن شخص محرم نباشد، و عقد هم باطل است. و احتیاط واجب آن است که زن را خواستگاری هم نکند ولی رجوع به مطلقه رجعی در عده مانعی ندارد.

مسئله ۵۱. کسی که زنی را برای محرمی عقد کند، و آن محرم به آن زن دخول کند، بر آن کسی که عقد کرده اگر چه محرم نباشد، و بر محرمی که دخول کرده، هر یک، یک شتر كفاره واجب است. و بر زن نیز اگر چه محل باشد و بداند که شوهرش محرم است همین كفاره لازم است. ولی اگر دخول واقع نشود بر هیچ یک كفاره نیست.

چهارم - آن که شاهد عقد ازدواج شود، و اگر پیش از احرام شاهد شده است در حال احرام شهادت بر آن جایز نیست.

پنجم - استمناء است (استمناء به غیر ملامعه با حلیله خود، در غیر حال احرام نیز حرام است) یعنی کارهایی که به سبب آن‌ها منی از انسان خارج می‌شود، مثل ملامعه با زن، بلکه با دست یا خیالات شهوت انگیز که منی از او بیرون آید، كفاره آن یک شتر است. و احوط آن است که این کارها را ترک کند، اگر چه سبب بیرون آمدن منی نشود.

ششم - بوئیدن بوی خوش، مثل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، و نیز مالیدن آن‌ها بر بدن و خوردن آن و پوشیدن لباسی که در آن بوی خوش باشد اگر اثرش باقی باشد حرام است و در صورت احتیاج به خوردن یا پوشیدن، باید بینی خود را بگیرد، و بنابر احتیاط لازم، باید استعمال گل‌های خوشبو را نیز ترک کند، و بنابر احتیاط، از بوئیدن میوه‌های خوشبو، مثل سیب و به، خودداری کند، ولی خوردن آن‌ها ضرر ندارد.

مسئله ۵۲. چنانچه اتفاقاً از برابر دکان‌های عطر فروشی عبور کند، بنابر احتیاط لازم، بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسئله ۵۳. احوط آن است که از بوهای خوش کعبه هم خودداری کند، ولی آنچه به غیر اختیار در حال طواف از بوی آن به شامه یا به لباس یا بدن می‌رسد ظاهراً اشکال ندارد، و گرفتن بینی یا شستن لباس و بدن واجب نیست.

مسئله ۵۴. كفاره استعمال بوی خوش بنابر احتیاط واجب کشتن یک گوسفند است.

مسئله ۵۵. در حال احرام گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی از آن به تعجیل گذشتن حرام نیست.

هفتم - پوشیدن چیز دوخته است، هر چند کوچک باشد، ولی بستن همیان پول به کمر عیبی ندارد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که طوری ببندد که بدون گره باشد و بستن فتق بند نیز، اگر ناچار باشد مانعی ندارد اگر چه دوخته باشد ولی بنابر احتیاط

مستحب، یک گوسفند کفاره دارد.

مسئله ۵۶. احتیاط لازم آن است که به لباس احرام خصوصاً ردا، گره نزنند و تکمه در آن ندوزند و به چوپ یا سوزن و سنجاق آن را بهم وصل نمایند.

مسئله ۵۷. حرمت پوشیدن لباس دوخته مخصوص مردها است، پس جایز است زن‌ها لباس دوخته بپوشند، ولی باید از پوشیدن قفازین که دستکش مخصوصی است خودداری نمایند.

مسئله ۵۸. گذاردن سنگ در لای لباس احرام، و بستن و پیچیدن آن با نخ، بدون آن که گره بزند مانعی ندارد، بشرط آن که دو طرف ردا را روی یکدیگر نگذارد که مثل گریبان (یقه) شود، و جایز نیست ردا را سوارخ کند و سرش را از ردا بیرون آورد. هشتم - سرمه کشیدن است به چیز سیاهی که اسباب زینت باشد اگر چه قصد زینت هم نداشته باشد. و احوط آن است که به چیزی که سیاه هم نباشد به قصد زینت خصوصاً اگر بوی خوش داشته باشد سرمه نکشد.

نهم - نگاه کردن در آینه برای محرم حرام است مگر در حال ضرورت، مثل راننده که گاهی از اوقات برای او ضرورت دارد، ولی نگاه کردن در آب صاف ضرر ندارد، اگر چه احتیاط مستحب ترک آن است، و هم چنین احتیاط مستحب ترک عینک زدن است. دهم - از چیزهایی که بر مرد محرم حرام است پوشیدن چیزی است که تمام روی پا را بپوشاند مثل چکمه و جوراب، و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند، ولی بند نعلین که مقداری از روی پا را می‌پوشاند اشکال ندارد، و اگر محتاج شود به پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند از جهت نداشتن نعلین، احوط شکافتن روی آن‌ها است.

یازدهم - فسوق است - فسوق در غیر حال احرام نیز حرام است، و آن دروغ و فحش دادن است. و نیز حرام است عیبی را از خود دور و به دیگری نسبت دهد، یا صفت خوبی را برای خود بگوید، و آن را از دیگری سلب کند، بلکه احتیاط آن است که از هر سخن زشت و ناروایی در حال احرام خودداری کند.

مسئله ۵۹. دروغ و فحش دادن سبب فساد احرام نمی‌شود، و کفاره آن استغفار است. و مستحب است صدقه دادن به چیزی، بلکه کشتن یک گاو، مستحب است.

دوازدهم - جدال است، و آن قسم خوردن به گفتن لا-والله یا گفتن بلی والله است، خواه راست باشد یا دروغ، و احتیاط واجب آن است که به غیر این دو لفظ هم قسم نخورد، و در موقع ناچاری که اثبات حق یا رد باطل به غیر آن نشود مانعی ندارد. و آری والله و بله والله و نه والله ملحق به آن است بنابر احتیاط لازم.

مسئله ۶۰. اگر قسمی که خورده است راست باشد تا دو مرتبه کفاره ندارد و باید استغفار کند، و در مرتبه سوم، کفاره آن یک گوسفند است و اما قسم دروغ در مرتبه اول، کفاره آن یک گوسفند، و در مرتبه دوم، یک گاو، و در مرتبه سوم، یک شتر است. سیزدهم - کشتن شپش یا کک و کنه و مانند این‌ها است، در بدن باشد یا در لباس. و هم چنین انداختن شپش و کک از بدن، بلکه آن‌ها را از جای خودشان بجای دیگر - در صورتی که جای اول محفوظ تر باشد - نقل ندهند، و اما اگر جای اول محفوظ تر نیست، عوض کردن جای آن‌ها مانعی ندارد.

چهاردهم - به جهت زینت، انگشتر بدست کردن برای محرم حرام است، ولی به قصد استحباب عیبی ندارد. و احتیاط آن است که از بستن حنا به قصد زینت، بلکه به غیر قصد زینت، در حال احرام و پیش از احرام، اگر اثرش تا حال احرام باقی می‌ماند خودداری کند.

پانزدهم - پوشیدن زیور است برای زن به قصد زینت، ولی آن‌چه را عادت پوشیدن آن پیش از حال احرام داشته، لازم نیست بیرون بیاورد، ولی نباید برای شوهرش با مرد دیگر آن را نمایان سازد.

شانزدهم - مالیدن روغن به بدن است، هر چند در آن بوی خوش نباشد، و نیز پیش از احرام روغن مالیدن، اگر در آن بوی خوش باشد، و اثرش تا حال احرام باقی بماند جایز نیست.

مسئله ۶۱. اگر در حال احرام ناچار شود از مالیدن روغن، در این صورت مالیدن آن، مانعی ندارد.

هفدهم - ازاله کردن مو است از بدن خود، یا از بدن کس دیگر، اگر چه آن کس محرم نباشد، اگر چه یک مو باشد، ولی اگر ناچار باشد، مثل آن که برای رفع درد سر مو را برطرف کند، یا آن که مو، چشم را اذیت کند، ازاله آن حرام نیست.

مسئله ۶۲. کنده شدن مو در حال وضو یا غسل بدون قصد ضرر ندارد.

مسئله ۶۳. کفاره تراشیدن سر، و ازاله، موی زیر هر دو بغل، بلکه زیر یک بغل، اگر ناچار شود، یک گوسفند، یا سه روز روزه، یا صدقه دادن ده مُد، بر ده مسکین است. و بعضی دوازده مُد بر شش مسکین فرموده‌اند. و این مطابق با احتیاط است و ترک نشود، و اگر ناچار نشود بنا بر احتیاط واجب، کفاره کشتن گوسفند است. و هر گاه دست به سر یا به ریش خود بکشد، و یک مو یا دو مو بیفتد، احتیاطاً یک مشت گندم یا جو و مانند اینها صدقه بدهد.

هیجدهم - آن که مرد، سر و گوش خود را بپوشاند، و احتیاط واجب آن است که گل و حنا به سر نمالد، و چیزی هم بر سر نگذارد، بلکه احتیاط مستحب این است که با دست نیز سر را نپوشاند.

مسئله ۶۴. پوشیدن قسمتی از سر نیز حرام است، ولی گزاردن بند مشک آب بر سر مانعی ندارد، و پوشیده شدن مقداری از سر، یا تمام آن، بواسطه دستمالی که برای درد سر به سر می‌بندد مانعی ندارد، لیکن یک گوسفند کفاره دارد، چنان که مذکور خواهد شد.

مسئله ۶۵. در حال احرام، سر به زیر آب یا مایع دیگر فرو کردن، برای مرد جایز نیست، بلکه احتیاط برای زن نیز ترک آن است.

مسئله ۶۶. پوشاندن صورت برای مردها جایز است.

مسئله ۶۷. کفاره پوشیدن سر، یک گوسفند است، اگر چه از روی ناچاری باشد، و احتیاط آن است که اگر بیش از یک بار سر را بپوشاند، برای هر بار جداگانه کفاره بدهد، خصوصاً اگر بدون عذر باشد، و مخصوصاً اگر مجلس آن هم متعدد شود.

نوزدهم - آن که زن، تمام یا قسمتی از صورت خود را با نقاب یا چیز دیگر بپوشاند.

مسئله ۶۸. اگر زن در موقع نماز، برای آن که یقین کند سر و گردن او پوشیده شده، مقداری از اطراف صورت را بپوشاند اشکال ندارد، ولی باید بعد از نماز فوراً آن مقدار را باز کند.

مسئله ۶۹. جایز است به جهت روگرفتن از نامحرم، مقداری از چادر یا چیز دیگری که به سر انداخته، تا محاذی چانه پائین بیندازد، لیکن احتیاط لازم این است که آن را به دست یا به چیزی دور از صورت نگهدارد، که مثل نقاب نشود، و در غیر این صورت یک گوسفند کفاره بر او لازم است.

بیستم - آن که مرد محرم، در روز در حال راه پیمودن، بالای سر خود سایه قرار دهد، چه سواره باشد و چه پیاده، و احتیاط مستحب آن است که در شب هم در حال راه پیمودن، برای خود سایه قرار ندهد.

مسئله ۷۰. برای زن و بچه، بالای سر، سایه قرار دادن اشکال ندارد.

مسئله ۷۱. احتیاط مستحب آن است که مرد محرم، در حال راه پیمودن، در سایه چیزی که بالای سر او هم نیست نباشد.

مسئله ۷۲. در وقت ناچاری، مثل شدت سرما یا گرما یا باران، در حال راه پیمایی، زیر سایه رفتن جایز است، ولی یک گوسفند کفاره آن بر او واجب می‌شود، و اما اگر در احرام عمره یا حج، مکرر سوار مرکب سقف دار شود و پیاده شود، به تکرار آن، کفاره تکرار نمی‌شود، بلی اگر هم در احرام عمره و هم در احرام حج سوار مرکب سقف دار شود، باید برای هر یک جداگانه کفاره بدهد. و احتیاط آن است که اگر بتواند برای هر روز یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۷۳. مرد محرم، در وقتی که منزل می‌کند، زیر طاق و مانند آن برود، یا چتر به سر بگیرد اشکال ندارد، اگر چه در حال رفت و آمد برای کارهای منزل باشد، و نشسته نباشد، ولی احتیاط آن است که در وقت رفت و آمد در کارهای منزل هم، زیر سایه نباشد هر چند مراعات آن لازم نیست.

بیست و یکم - آن که از بدن خودش خون بیرون بیاورد، هر چند به خراشاندن بدن یا مسواک کردن باشد، اگر بداند که این کارها سبب بیرون آمدن خون می‌شود، ولی در حال ناچاری مانعی ندارد، و کفاره آن بنا بر احوط و اولی یک گوسفند است.

مسأله ۷۴. اگر از بدن شخص دیگر خون بیرون آورد، اشکال ندارد.

بیست و دوم - ناخن گرفتن است، اگر چه مقدار کمی از یک ناخن باشد، و اما اگر ناچار باشد - مثل آن که مقداری از آن افتاده باشد، و باقی مانده، او را اذیت کند - گرفتن آن جایز است، و کفاره آن یک مُد (تقریباً سه ربع کیلو) طعام است، مثل گندم یا جو و مانند این‌ها که باید به فقیر بدهد. و کفاره گرفتن تمام ناخن نیز یک مُد است، و اگر تمام ناخن‌های دست و پا را در یک مجلس بگیرد، یک گوسفند لازم است، و اگر ناخن دست‌ها را در یک مجلس، و پاها را در مجلس دیگر بگیرد، دو گوسفند لازم است. و اگر شخصی اشتهاً به محرمی بگوید: گرفتن ناخن در حال احرام اشکال ندارد، و آن محرم باور کند، و ناخن بگیرد و اتفاقاً خون بیفتد، باید کسی که مسأله را اشتباه گفته یک گوسفند کفاره بدهد، چه محرم باشد، و چه محل و چه مجتهد باشد یا نباشد.

بیست و سوم - کشیدن دندان است، هر چند خون نیاید، و کفاره آن بنا بر احتیاط، یک گوسفند است.

بیست و چهارم - کندن درخت و گیاهی است که در حرم روئیده باشد، ولی کندن درخت و گیاهی که در ملک خودش روئیده باشد مانعی ندارد.

مسأله ۷۵. اگر محرم، درختی را که کندن آن در حال احرام حرام است بکند، جمعی فرموده‌اند: که اگر بزرگ باشد کفاره آن یک گاو و اگر کوچک باشد یک گوسفند است، و این قول مشهور است. و بعضی فرموده‌اند: قیمت درخت را به فقیر بدهد. و ظاهر این است که اگر گاو یا گوسفند را، به قصد ما فی الذمه، از عین آن‌ها یا قیمت درخت بدهد، و قیمت درخت بیشتر نباشد، کافی است. و اگر مقداری از یک درخت را بکند، باید به مقدار قیمت آن به فقیر بدهد. و اگر گیاهی را بکند، استغفار کند ولی کفاره ندارد.

مسأله ۷۶. کندن درخت یا گیاه حرم به تفصیلی که گفته شد برای کسی که محرم هم نیست حرام است، ولی جایز است حیوان خود را رها کند تا علف را بخورد، بدون آن که خودش به جهت او آن را قطع کند، چنانچه راه رفتن بطور متعارف، اگر موجب کندن شدن گیاه حرم شود مانعی ندارد.

بیست و پنجم - اسلحه و آلات حرب بر خود بستن است، و بعضی زره و خود و هر چه از وسائل دفاع باشد نیز جز سلاح شمرده، و پوشیدن آن‌ها را حرام دانسته‌اند.

مسأله ۷۷. احتیاط واجب آن است که اسلحه را اگر نمایان باشد همراه بر ندارد، اگر چه به تن او نباشد.

## محل ذبح کفاره

مسأله ۷۸. محل ذبح یا نحر کفاره صید، اگر در احرام عمره باشد مکه است، و اگر در احرام حج باشد منی است. و بنا بر احتیاط، محل ذبح کفاره غیر صید نیز در احرام حج منی است، و در احرام عمره مکه است، ولی اگر متمکن از آن در مکه یا منی نشد یا فقیری که آن را به او صدقه بدهد نبود و یا به هر جهت دیگر ترک شد در وطنش ذبح کند، و به فقیر بدهد.

مسأله ۷۹. از کارهایی که بر محرم حرام است، پانزده قسم آن کفاره دارد، لیکن در بعضی از آن اقسام کفاره بنا بر احتیاط است.

۱ - شکار.

۲ - عقد به شرط دخول.

- ۳- استمناء.
  - ۴- جماع و بوسیدن زن.
  - ۵- استعمال بوی خوش.
  - ۶- پوشیدن چیز دوخته برای مرد.
  - ۷- جدال.
  - ۸- زایل کردن موی زیر بغل و تراشیدن سر (تراشیدن و زایل کردن موی زیر بغل غیر، کفاره ندارد، اگر چه حرام است).
  - ۹- پوشانیدن سر برای مرد.
  - ۱۰- پوشانیدن زن تمام یا قسمتی از صورت خود را.
  - ۱۱- سایه بالای سر قرار دادن برای مرد در حال سیر.
  - ۱۲- بیرون آوردن خون از بدن خود.
  - ۱۳- ناخن گرفتن.
  - ۱۴- کندن دندان.
  - ۱۵- کندن درخت و گیاه حرم.
- و شرح هر یک به مقداری که در این رساله مناسب بود گفته شد.

مسئله ۸۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، یکی از کارهایی را که سبب کفاره می‌شود انجام دهد، کفاره بر او واجب نمی‌شود، مگر در شکار، و بعض موارد دیگر که حکم آن بعداً ذکر می‌شود که در صورت فراموشی و ندانستن مسأله نیز کفاره لازم می‌شود.

### طواف عمره

مسئله ۸۱. دانسته شد که دوم از اعمال واجب عمره تمتع، طواف خانه کعبه است. و پیش از بیان احکام آن، مستحبات داخل شدن به حرم، و مستحبات داخل شدن به مکه، و مستحبات داخل شدن به مسجد الحرام را به تفصیل شرح می‌دهیم انشاء الله.

### — مستحبات داخل شدن به حرم

مسئله ۸۲. بدان که مقداری از زمین‌هایی که از جهات چهارگانه محیط به مکه است، حرم می‌باشد، و طول و عرض آن هر یک چهار فرسخ است، لکن مسافت آن از تمام جهات به مکه مساوی نیست و علاماتی از طرف جدّه و عرفات، و سایر اطراف که وارد مکه می‌شوند نصب شده است که معلوم است.

مسئله ۸۳. مستحب است که محرم چون به حرم رسید، قبل از ورود به آن پیاده شود، و برای وارد شدن به حرم غسل کند، و پا را برهنه کند، و نعلین را در دست گیرد، و وارد حرم شود. و در حدیث است کسی که چنین کند برای تواضع و فروتنی نسبت به خداوند متعال، خداوند عالم، جلّ ذکرة، محو کند از او صد هزار گناه، و بنویسد از برای او صد هزار حسنه، و صد هزار حاجت او را برآورد، و مستحب است که در وقت وارد شدن به حرم، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأُذِّنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شَقِيهِ بَعِيدِهِ وَفَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ الرُّزْقَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ



لَذُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ، وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

### — مستحبات داخل شدن به مکه معظمه

بدان که مکه معظمه مرکز طلوع انوار وجود محمدی، و مشرق آفتاب هدایت اسلامی، و مهبط ملائکه مقربین، و محل بزرگ ترین و باشکوه ترین اجتماع مؤمنین و موحدین، و مکان نزول امطار رحمت و مغفرت، و آیات بینات الهی، و مقام ابراهیم خلیل است. و از این جهات و جهات بسیار دیگر، مخصوصاً از جهت وجود بیت الله الحرام در آن، شرافت و حرمت آن بسیار است. کسی که وارد آن شهر مقدس می‌شود باید فضایل مشاهد بزرگ و شعائر اسلامی را که خداوند متعال مقرر داشته متوجه باشد، تا برای ادراک برکات و فضایل آن اماکن مقدسه آماده شود، و نور حقیقت بر حال او ظاهر شده، و گناهانش آمرزیده، و عیوبش بر طرف شود، انشاء الله تعالی.

إِنَّمَا سُمِّيَتْ مَكَّةَ لِأَنَّهَا تَمُكُّ الذُّنُوبَ أَي تَرْيُلُهَا كُلَّهَا.

مکه را به این نام نهاده‌اند چون تمام گناهان را محو و نابود می‌کند.

مسأله ۸۴. مستحب است به جهت وارد شدن به مکه اگر

ممکن شود غسل دیگر کند، و با آرامش دل و بدن با فروتنی و وقار وارد مکه شود، و چون وارد مکه شود از راه بالای مکه داخل شود از عقبه (کداه) که در شمال مکه است. و بعضی این حکم را مختص به کسانی دانسته‌اند که از راه مدینه می‌روند. و در موقع خروج، از عقبه ذی طوی که در جنوب مکه واقع است خارج شود.

### — مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام

مسأله ۸۵. بنا به فرموده بعضی از علما، مستحب است غسل به جهت وارد شدن به مسجدالحرام و مستحب است که از در بنی شبیه که مقابل باب السلام است، و بواسطه توسعه مسجد در خود مسجد واقع شده است وارد شود. و در کمال خضوع و خشوع، و آرامش دل و بدن، در نزد آن بایستند و بگویند - چنان که در خبر صحیح است -

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحِمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِهَلِيلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و در روایت دیگر وارد است که می‌گوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحِمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُزَسَّلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحِمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَى الْمُزَسَّلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَيْدِئاً مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤُوسِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَرَائِدُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مِيَاثِي حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مِيَاثِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَخِدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا نَكَّ وَاحِدٌ أَحَدٌ صِمْدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ) كُفُوًّا أَحَدٌ، وَأَنَّ



مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ إِيَّايَ  
بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس سه مرتبه می گویی:

اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس می گویی:

وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالنَّاسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.

پس داخل مسجد می شوی و می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

پس دست‌ها را بردار و روی به کعبه معظمه کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكَيَ أَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ الْعَبْدُ عَبْدُكَ  
وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفَى طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ  
مِنْ عِقُوبَتِكَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ.

پس خطاب به کعبه کن و بگو:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.

و چون نظر بر حجر الاسود افتد رو بسوی او کن و بگو:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَاللَّهُ  
أَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَأَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ  
الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى  
إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ م رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ  
أُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ.

پس به تانی و آهسته روانه شو و گام‌ها را کوتاه بگذار پس چون به نزدیک حجر الاسود رسیدی دست‌ها را بردار و حمد و ثنای

الهی بجا آور و صلوات بر محمد و آل محمد فرست و بگو:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.

و اگر توانستی دست و رو و بدن را به حجر الاسود می‌مالی - و می‌بوسی آن را و اگر نتوانستی بیوسی دست به مال و اگر نتوانی

دست را بمالی اشاره کن و بگو:

اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ  
إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَعِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةَ  
كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.

و اگر نتوانستی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظَّمْتُ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سُبُحْتِي، وَاعْفُزْ لِي، وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ، وَالْفَقْرِ،  
وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و بعد از آن شروع به طواف کن.

## احکام طواف عمره تمتع

مسئله ۸۶. کسی که وظیفه او عمره تمتع است بعد از احرام، و وارد شدن به مکه معظمه، واجب است هفت شوط طواف کند. یعنی هفت مرتبه دور کعبه بگردد، که آن را طواف عمره تمتع می‌گویند.

مسئله ۸۷. طواف رکن عمره است، یعنی اگر کسی عمداً طواف را ترک کند و وقت آن بگذرد عمره او باطل است، چه عالم باشد چه جاهل، چه تمام طواف را ترک کند چه بعض آن را، و موقعی وقت آن می‌گذرد که نتواند پیش از وقوف به عرفات آن را بجا آورد، که در این حال چون بعید نیست که احرام او نیز باطل شده باشد بنا بر احتیاط واجب به میقات برود و اگر بواسطه تنگی وقت متمکن از رفتن به میقات نیست هر مقدار می‌تواند به طرف میقات برود و رجاءاً محرم به احرام حج افراد شود و به عرفات برود. و کارهای حج را انجام دهد، و بعد از آن عمره مفرد بجا آورد، در سال دیگر نیز باید حج خود را بجا آورد. ولی کسی که حج تمتع او بواسطه عذری - چنان که گفته خواهد شد - بدل به افراد شود بعد از تمام کردن حج افراد و بجا آوردن عمره مفرد به تکلیف خود عمل کرده، و دیگر در سال بعد حج بر او لازم نیست.

مسئله ۸۸. اگر کسی طواف را فراموش کند باید هر وقت بخاطرش آمد آن را انجام دهد، و اگر بعد از رفتن به شهرش یادش آمد، و برگشتن برای او ممکن نباشد یا دشوار باشد، نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۸۹. کسی که طواف را فراموش کرده و سعی را بجا آورده باشد، بنا بر احتیاط لازم باید خود یا نایبی که از طرف او طواف را بجا آورده، سعی هم بنماید.

مسئله ۹۰. اگر مریض نمی‌تواند طواف کند، او را بطوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود، و اگر ممکن نشود او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند، و اگر هیچ‌گونه ممکن نشود نایب بگیرد که از برای او طواف کند.

## شرایط طواف

در طواف پنج چیز شرط است.

شرط اول - آن که با طهارت باشد، پس محدث به حدث اکبر یا اصغر، طواف واجب او باطل است، اگر چه از روی فراموشی یا جهل به حکم باشد.

مسئله ۹۱. اگر در وقتی که مشغول طواف است وضوء یا غسل او بی اختیار باطل شود، یا عذر دیگری برایش پیدا شود که نتواند طواف را تمام کند، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده است، از همانجا طواف را رها کند، و بعد از وضوء یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از همانجا که رها کرده تمام نماید، و اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم بوده، اگر به سه شوط و نیم نرسیده، طواف او باطل است، و باید بعد از وضوء یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از سر بگیرد، و اگر به سه شوط و نیم رسیده و شوط چهارم را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از وضوء یا غسل یا بعد از برطرف شدن عذر، باقی مانده را از همانجا که رها کرده تمام کند، و دو رکعت نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف کند و دو رکعت دیگر نماز طواف را نیز بجا آورد.

مسئله ۹۲. کسی که قبل از طواف، یا در بین طواف قبل از تمام شدن هفت شوط شک کند که غسل کرده یا وضوء گرفته یا نه، یا بداند که حدثی از او صادر شده و غسل یا وضوء هم گرفته، ولی نداند کدام جلوتر بوده باید غسل کند یا وضوء بگیرد. و بعد، طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از طواف شک نماید اعتنا به آن شک نکند. و کسی که شک کند که وضوء یا غسلش باطل شده یا نه به آن شک اعتنا نکند، و طواف را بجا آورد، چه قبل از طواف باشد، و چه در بین، و چه بعد از طواف.

مسأله ۹۳. اگر کسی بواسطه عذری نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش برطرف شود. و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشود، باید برای طواف بدل از غسل یا وضو تیمم کند، بطوری که در تیمم نماز عمل می‌کند. و کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده بعد از آن که خودش طواف را بجا آورد احتیاطاً نائب هم بگیرد.

مسأله ۹۴. زن حائض بعد از پاک شدن و قبل از غسل، در وجوب غسل با امکان، و تیمم با عدم امکان غسل، حکم او حکم جنب است، و اگر در تمام مدتی که در مکه است پاک نشود، باید برای هر طواف و نماز آن نائب بگیرد، و خودش طواف نکند. ولی سایر اعمال را خودش بجا آورد.

شرط دوم - در طواف پاک بودن بدن و لباس است، به طوری که در نماز شرط شده است، بلکه احتیاط واجب آن است که در صورت امکان، با خون کمتر از درهم و خون زخم و جراحت که در نماز عفو شده نیز طواف نکند، و برای طواف، آن را برطرف نماید، و تطهیر کند و اگر بر طرف کردن و تطهیر آن ممکن نیست، احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نائب بگیرد تا برای او طواف نماید. ولی در صورتی که وقت دارد و می‌تواند تطهیر کند بنا بر احتیاط واجب باید طواف را به تأخیر بیندازد.

مسأله ۹۵. اگر بعد از طواف بفهمد که لباس یا بدنش نجس بوده طوافش صحیح است. و اگر فراموش کرد و با بدن یا لباس نجس طواف کرد، احتیاط لازم آن است که طواف را دوباره بجا آورد.

مسأله ۹۶. اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود، یا بفهمد که از پیش نجس بوده، و بدون رها کردن طواف شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید. و اگر چهار دور یا بیشتر طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس، طواف را تمام کند. و اگر به سه دور و نیم نرسیده، طواف او باطل است، و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد. و اگر از سه دور و نیم گذشته، و چهار دور را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند، و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را بجا آورد.

شرط سوم - آن است که مرد طواف کننده ختنه شده باشد. پس اگر ختنه نکرده باشد طواف او باطل است، و بنابراین، طواف نساء از مرد غیر مختون باطل است، و بنا بر احتیاط لازم بچه‌ای که ختنه نشده اگر طواف نساء کند یا او را طواف دهند، طوافش باطل خواهد بود و بعد از ختنه تا خودش یا نایبش از طرف او طواف‌هایی را که بر ذمه دارد بجا نیاورد، زن بر او حلال نخواهد شد. شرط چهارم - پوشانیدن عورت است با چیزی که مباح باشد و غصبی نباشد. بلکه احتیاط آن است که در آن تمام شرایط لباس نماز گزار رعایت شود.

شرط پنجم - آن است که نیت کند که برای اطاعت فرمان خداوند عالم هفت دور طواف خانه کعبه انجام می‌دهم طواف عمره تمتع حجّه الاسلام.

## واجبات طواف

واجبات طواف هفت چیز است:

اول و دوم - آن است که طواف را در هر دور از حجرالاسود شروع کند و به حجرالاسود تمام کند، و برای این که یقین نماید در هر دور، از جزء اول حجر شروع نموده و به جزء اول تمام کرده، در طواف اول باید کمی پیش از رسیدن به حجرالاسود نیت کند، و قصد نماید که ابتدا در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد، و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد، و با همین نیت هفت دور طواف کند.

سوم - آن که طوری طواف کند که در تمام مدتی که به طواف مشغول است خانه کعبه طرف دست چپ او باشد پس اگر درین

طواف رو به خانه کعبه کند برای بوسیدن ارکان یا جهت دیگر، یا آن که به بواسطه زیادی جمعیت پشت به خانه یا روی به خانه کند، آن مقدار جزء طواف محسوب نمی‌شود، و باید برگردد و آن مقدار را بطوری که خانه کعبه بطرف دست چپش باشد بجا آورد، و اگر نمی‌تواند برگردد آن موضع را نشان کند، و بدون نیت دور بزند تا به آن موضع که رسید از آن جا قصد طواف کند، و طواف را تمام کند.

مسئله ۹۷. برای این که در تمام احوال طواف، شانه چپ، مقابل خانه کعبه باشد دستور داده‌اند بهتر این است که وقتی از حجر الاسود گذشت، پیش از رسیدن به در حجر اسماعیل کمی بدن را به طرف چپ خود کج کند، و پیش از رسیدن به در دیگر حجر اسماعیل نیز قدری بدن را به طرف راست کج کند، تا شانه چپ از خانه رد نشود، و مقابل هر رکنی که می‌رسد به همین دستور عمل کند، ولی رعایت این دقت‌ها لازم نیست، و همین که بطور متعارف هفت شوط را انجام دهد کافی است.

چهارم - آن است که حجر حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) را که مدفن مادر آن حضرت، بلکه مدفن بسیاری از انبیاء علی نبینا و آله و علیهم‌السلام است، در طواف خود داخل کند، یعنی در خارج حجر طواف کند، و داخل آن نشود، و چنانچه از داخل حجر طواف نماید آن دور از طواف او باطل می‌شود، و اعاده آن از موضعی که داخل حجر شده کافی نیست، بلکه باید آن دور را از سر بگیرد، و اگر اعاده نکند طواف او باطل است و در این جهت فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست.

و با اعاده چون احتمال باطل شدن اصل طواف نیز می‌رود، احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز، دوباره طواف کند، و نماز آن را بخواند.

پنجم - آن که در حال طواف بیشتر از بیست و شش ذراع و نیم از کعبه دور نشود (ذراع از آرنج است تا سر انگشتان) پس اگر در بین طواف بیشتر از این مقدار از خانه دور شود، باید آن مقدار را که دور بوده از طواف حساب نکند، و دوباره بطور صحیح بجا آورد، ولی اگر چاره‌ای از طواف در خارج از این فاصله نباشد طواف در دورتر از این فاصله بشرط صدق طواف و رعایت نزدیکی ممکن اشکال ندارد.

ششم - آن که در حال طواف از خانه و آنچه از خانه حساب می‌شود خارج باشد، پس اگر روی سکوی اطراف خانه که آن را شاذروان گویند راه برود، آن مقدار از طواف که بر روی سکو راه رفته باطل است، و باید آن مقدار را بطور صحیح دوباره بجا آورد، و طواف را تمام و بعد از خواندن نماز طواف دوباره آن را با نمازش، احتیاطاً اعاده نماید، و هم چنین اگر در اثناء طواف روی حجر اسماعیل برود بلکه احتیاط آن است که در بین طواف روی شاذروان برای دست مالیدن به رکن‌ها یا غیر آن، دست دراز نکند و نیز دست را روی دیوار حجر نگذارد تا این که در تمام طواف، تمام بدن او از خانه و حجر خارج باشد.

هفتم - آن که هفت شوط یعنی هفت دور طواف کند و آن را کم و زیاد نکند.

مسئله ۹۸. اگر عمداً یک شوط یا بیشتر کم کند، واجب است آن را تمام کند در صورتی که کاری که موالات و پی در پی بودن طواف را بهم می‌زند انجام نداده باشد، و اگر تمام نکند تا موالات به هم بخورد، در حکم ترک طواف است پس اگر وقت باقی است باید طواف را عاده کند و اگر وقت گذشته حکم مسئله ۸۷ را دارد که گذشت.

مسئله ۹۹. اگر سهواً کمتر از هفت دور طواف کند، پس اگر از سه دور و نیم نگذشته، باید طواف را از سر بگیرد، و اگر از سه دور و نیم گذشته، و فقط یک دور کم کرده آن را تمام کند، و اگر بیشتر از یک دور کم کرده بنا بر احتیاط لازم آن را تمام کند و نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف و نماز آن را بجا آورد، ولی در طواف مستحب تمام کردن کافی است.

مسئله ۱۰۰. اگر عمداً یک دور یا بیشتر از یک دور زیاد کند به قصد آن که جزء طواف دیگر باشد قران (جمع) بین طوافین است که در طواف مستحب مکروه، و در طواف واجب، حرام است. بلکه بنا بر احتیاط لازم سبب باطل شدن طواف می‌شود، چه آن که از اول طواف، این قصد را کرده باشد یا در بین یا در آخر، و اگر به قصد لغویت آن را بجا آورده باشد ضرری به طواف نمی‌زند، و

اگر به قصد آن که جزء طواف اول باشد بجا آورد پس اگر از ابتدای طواف قصد داشته، بی اشکال طوافش باطل است، و اگر در بین طواف قصد کند از همان وقت باطل می‌شود، و اگر در آخر طواف قصد کند، مشهور فرموده‌اند: طوافش باطل است، ولی احتیاط این است که نماز را بخواند و بعد طواف را با نماز آن اعاده نماید.

مسئله ۱۰۱. اگر از روی فراموشی بر هفت شوط زیاد کند، پس اگر کمتر از یک دور است آن را رها کند، و طواف او صحیح است، و اگر یک شوط یا بیشتر زیاد کند طواف واجب او صحیح است، و مستحب است که آن‌چه را زیاد کرده به قصد قربت مطلقه به هفت دور برساند، و در این صورت احوط آن است که یک نماز طواف پیش از سعی، جهت طواف واجب، و یک نماز طواف بعد از سعی، جهت طواف مستحب، بجا آورد، و بهتر آن است که بعد از عمل به این احتیاط، اصل طواف و نماز آن را دوباره قبل از سعی بجا آورد.

مسئله ۱۰۲. کسی که تمام طواف یا بعض آن را فراموش کند، و یادش نیاید تا به شهر خود برگردد، و برای او مشکل باشد که به مکه مراجعت نماید، و آن‌چه را فراموش کرده بجا آورده، واجب است نایب بگیرد که برای او طواف کند، و نماز طواف بخواند و بنابر احتیاط لازم سعی هم بنماید و در این صورت بنابر احتیاط واجب هدی بفرستد، و احوط آن است که شتر باشد، و در مواردی که گفته شد باید وجوباً یا احتیاطاً بعد از اتمام و نماز طواف، اعاده نماید، نایب نیز به همان شرح عمل کند.

مسئله ۱۰۳. اگر بعد از طواف، در عدد دروهای آن شک کند، به آن شک اعتنا نکند، و اگر در آخر یکی از دورها شک کند که آن شوط هفتم بوده یا هشتم، بنا گذارد که دور هفتم بوده است، و اگر در بین شوطی شک کند که هفتم است یا هشتم، احوط بجا آوردن نماز طواف و اعاده طواف با نماز آن است.

مسئله ۱۰۴. اگر یقین داشته باشد که بیشتر از هفت شوط

طواف نکرده، و شک در عدد آن کند، وجوب از سر گرفتن طواف، خالی از قوت نیست، و احتیاط آن است که بنا را بر اقل گذارد. و تمام کند، و نماز طواف بخواند، و بعد طواف را از سر بگیرد.

مسئله ۱۰۵. اگر ازدحام جمعیت، انسان را مقداری در طواف جلو ببرد، در صورتی که بکلی از اختیار او خارج نشود و قصد طواف داشته باشد اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۶. طواف و سعی بوسیله چرخ‌هایی که اخیراً معمول شده، یا نشستن در طبقه‌ها، یا سوار شدن بر دوش دیگران اشکال ندارد، و اگر با پای خود برود ثواب آن زیادتر است.

### مستحبات و مکروهات طواف

مسئله ۱۰۷. مستحب است که در حال طواف سر برهنه و پابرنه، و مشغول دعاء، و ذکر خدا باشد، و حرف بیهوده نزنند، و کارهایی که در نماز مکروه است انجام ندهد، و گام‌ها را کوچک بردارد، به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده، که هر کس طواف خانه کعبه کند در وقت زوال با سر برهنه، و گام‌ها را تنگ بردارد، و چشم خود را از نامحرم و عورت بپوشاند، و دست یا بدنش را در هر شوطی به حجر الاسود بمالد، بدون آن که به کسی آزار رساند و ذکر خدا را از زبان نیندازد، خدای تعالی بنویسد برای او به عدد هر گامی هفتاد هزار حسنه، و محو کند از او هفتاد هزار گناه، و بلند گرداند از برای او هفتاد هزار درجه، و بنویسد از برای او ثواب آزاد کردن هفتاد هزار بنده، که بهای هر یک ده هزار درهم باشد، و او را شفیع سازد در هفتاد هزار کس از اهل بیت او، و برآورد از برای او هفتاد هزار حاجت، که اگر خواهد در دنیا به او رساند، و اگر خواهد در آخرت، و مستحب است که در حال طواف این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلِّ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدِّ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَوْشُكَ،

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطَّوْرِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَأَتَمَمْتُ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي (كذا و كذا).

و حاجت خود را بطلبد، و سنت است که در حال طواف نیز بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِيٌّ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُبَدِّلِ اسْمِي، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي.

و در هر شوط که به در خانه کعبه رسد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و این دعاء را بخواند:

سَائِلُكَ فَاقِيٌّ كَ مَسْئَلِكُنَا بِبَابِكَ، فَتَصِدِّقْ عَلَيْهِ بِإِلْحَانِهِ، اللَّهُمَّ أَلْبَسْتَنِي بَيْتِكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبِيدُ عِبِيدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ، الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعْتَفِنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.

و چون به حجر حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه‌السلام برسد نگاه به ناودان طلا کند و بگوید:

اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَجْرِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَعِافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسِقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسِقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ وَتَقَبُّلُهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ. و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

و چون در شوط هفتم به مستحار رسد - و آن پشت کعبه است - نزدیک به رکن یمانی برابر در خانه بایستد، و دست‌ها را بگشاید رو به خانه، و روی خود و شکم خود را برساند به کعبه و بگوید:

اللَّهُمَّ الْبَيْتَ بَيْتِكَ، وَالْعَبِيدَ عِبِيدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحَ وَالْفَرْجَ وَالْعَافِيَةَ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَأَغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتُ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفَيْتُ عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجًا مِنْ ذُنُوبٍ، وَأَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا، وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ، وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِعَاصِ خَلْقِهِ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ اسْتَجِبْ لِي.

پس حاجت خود را بطلبد، و دعا بسیار کند و اقرار به گناهان خود کند هرچه داند مفصلاً، و هرچه را بخاطر نداشته باشد مجملًا اقرار نماید، و طلب آمرزش نماید که البته آمرزیده می‌شود، انشاء الله تعالی.

پس چون به حجر الاسود رسد بگوید:

اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي.

و می‌باید کمال ملاحظه را بکند در هر مرتبه که می‌رود حجر را ببوسد، و اگر نتواند ببوسد، استلام کند، و اگر استلام، باعث زحمت باشد از دور اشاره کند، و هم چنین مستحب است استلام سایر ارکان، و هم چنین مستحب است که خود را به مستحار



بمالد، و آن‌جا را نشان کند، و چون این اعمال را بجا آورد باز بجای خود رود، و از آن‌جا به طواف ادامه دهد، تا زیاده و کم، در طواف حاصل نشود.

## نماز طواف

مسئله ۱۰۸. واجب است بعد از هر طواف واجب، دو رکعت نماز مثل نماز صبح، به نیت نماز طواف در نزد مقام حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) بجا آورد، جهراً یا اخفاتاً، و احتیاط آن است که نماز را بعد از طواف فوراً بخواند، و نیز احتیاط آن است که نماز را در پشت مقام بخواند - یعنی طوری بایستد که سنگی که نشانه پای حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) بر آن است روبروی او باشد - و اما اگر به علت زیادی جمعیت نتواند پس در جائی بایستد که عرفاً بگویند پشت مقام ایستاده است، باید در یکی از دو طرف مقام بایستد، و نماز بخواند، و اگر آن هم ممکن نباشد در هر جائی از مسجد که به پشت مقام و دو طرف آن نزدیکتر است نماز را بخواند، و بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام بخواند رجاءاً.

مسئله ۱۰۹. نماز طواف مستحب را می‌توان در هر جای از مسجد بجا آورد، بلکه بعضی فرموده‌اند که ترک آن عمداً جایز است لیکن سزاوار نیست ترک کند.

مسئله ۱۱۰. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کرد، هر وقت به یادش آمد باید در پشت مقام به تفصیلی که در مسئله قبل ذکر شد بجا آورد و اگر سعی و کارهای دیگر را بجا آورده، لازم نیست دوباره بجا آورد، اگر چه احوط است.

مسئله ۱۱۱. بنا بر آن که ترتیب، در بین نماز طواف و کارهای بعد از آن معتبر باشد، بعضی فرموده‌اند: که کسی که واجبات نماز مثل قرائت و غیر آن را نداند عمره او باطل است، و از حجة الاسلام بریء الذمه نخواهد شد، پس علاوه بر آن که برای نمازهای واجب دیگر لازم است انسان قرائت صحیح و احکام واجبه نماز را بیاموزد، در وقتی که اراده حج دارد نیز باید قرائت خود را صحیح نماید، و واجبات نماز را یاد بگیرد، و اگر ممکن نشود، نماز طواف را به جماعت بخواند، ولی اکتفا به آن اشکال دارد، و واجب است بطور فردی نیز بخواند، و اگر نائب هم بگیرد جهت نماز، بهتر و مطابق با احتیاط است.

مسئله ۱۱۲. کسی که نماز طواف را فراموش کرده است، باید برگردد پشت مقام بجا آورد، و اگر برگشتن به مسجد برایش دشوار باشد، می‌تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد، و بهتر آن است که نایب هم بگیرد تا پشت مقام برای او بجا آورد.

مسئله ۱۱۳. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند و پیش از بجا آوردن آن بمیرد، باید پسر بزرگ تر، قضای آن را بجا آورد، مثل سایر نمازهایی که از میت فوت شده.

## مستحبات نماز طواف

مستحب است که در رکعت اول نماز طواف، بعد از حمد سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند، و چون از نماز فارغ شود حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و صلوات بفرستد و بگوید:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لَهُمْ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي.

و در بعضی از روایات وارد است که بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعِيَهُ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلِّمْ، اللَّهُمَّ جَنِّبِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُجِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.

پس به سجده رود و بگوید:

سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَذَا أَنَاذًا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.

### سعی

مسئله ۱۱۴. بعد از نماز طواف، واجب است هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی نماید، یعنی از ابتداء صفا پیاده یا سواره یا بر دوش کسی به مروه برود، و این یک مرتبه حساب می‌شود، و از مروه به صفا برگردد، که با رسیدن به صفا دو مرتبه سعی کرده است، پس به هر رفتن از صفا به مروه و برگشتن، دو سعی حاصل می‌شود و به این ترتیب سعی را بجا آورد، و سعی هفتم در مروه تمام می‌شود.

مسئله ۱۱۵. سعی مثل طواف، رکن است. و اگر کسی آن را عمدتاً یا از جهت ندانستن مسئله ترک کرده باشد، چنانچه قبل از وقوف به عرفات متوجه شود و می‌تواند سعی و تقصیر را بجای آورد، باید تدارک نماید، و اگر وقت گذشته، احتیاطاً حج افراد با عمره مفرده بجای آورد، و چون احتمال می‌رود که احرام او نیز باطل شده باشد، چنانچه وقت برای رفتن به میقات تنگ نیست، به میقات برود و رجاء محرم به احرام حج افراد شود و اگر وقت تنگ است هر مقدار که می‌تواند به طرف میقات برود و محرم شود. لیکن به این حج اکتفاء نکند و سال بعد حج تمتع بجا آورد، هر چند مستطیع نباشد.

مسئله ۱۱۶. در سعی، وضو و غسل و پاک بودن بدن و لباس شرط نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که با غسل یا وضو باشد.

### – واجبات سعی

مسئله ۱۱۷. هشت چیز در سعی واجب است:

اول - نیت است: پس اگر سعی او برای عمره تمتع است: چنین نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم هفت مرتبه سعی عمره تمتع حجّه الاسلام را بین صفا و مروه بجا می‌آورم، و مستحب است نیت را به زبان بیاورد، و باید پیش از شروع به سعی نیت کند که از اول جزء آن با نیت باشد.

دوم و سوم - آن است که سعی را از صفا ابتداء و به مروه تمام کند. و احتیاط آن است که برای تحصیل اطمینان قدری از تلی که در جانب صفا و مروه است بالا رود، و از آنجا شروع و به آنجا ختم کند.

چهارم - آن است که هفت مرتبه سعی کند، نه کمتر و نه بیشتر.

مسئله ۱۱۸. اگر عمدتاً بیشتر از هفت بار سعی کند سعیش باطل می‌شود، و اگر از جهت ندانستن مسئله یا فراموشی، زیاد کند سعیش صحیح است.

مسئله ۱۱۹. اگر سعی را فراموش کرده و یا سهواً از هفت مرتبه کمتر بجا آورد، باید هر وقت بیادش آمد تمام یا بقیه آن را انجام دهد، و اگر از مکه بیرون رفته، اگر چه به وطنش رسیده باشد، باید برگردد و آن را بجا آورد. و اگر نتواند برگردد باید نایب بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که اگر چهار مرتبه سعی نکرده، بعد از اتمام اول، آن را از سر بگیرد.

مسئله ۱۲۰. کسی که سهواً از هفت مرتبه کمتر سعی کند، آنچه بر او به سبب احرام حرام شده، تا بقیه سعیش را انجام ندهد حلال نمی‌شود، و اگر به خیال آن که مُحَلَّل شده با زن نزدیکی کند، یک بقره کفاره دارد بنابر احوط، و هم چنین است اگر ناخن بگیرد.

مسئله ۱۲۱. اگر کسی سعی را فراموش کند و یادش نیاید، تا به شهر خودش برگردد، و برای او مشکل باشد که به مکه برگردد باید نایب بگیرد و اگر قبل از انجام سعی با زن نزدیکی کرده باشد باید کفاره بدهد. و اگر تقلیم اظفار نماید باید بنابر احتیاط کفاره



بدهد.

مسئله ۱۲۲. اگر بعد از منصرف شدن از سعی، شک در عدد آن کند، به آن شک اعتنا نکند، و سعی صحیح است، لیکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده است، احتیاط آن است که دوباره سعی کند.

مسئله ۱۲۳. اگر در بین آن که مشغول سعی است و در مروه می‌باشد شک کند که هفت بار سعی کرده یا بیشتر، به شکش اعتنا نکند، و بنا را بر تمام گذارد.

مسئله ۱۲۴. اگر در بین صفا و مروه شک کند که این مرتبه هفتم است یا بیشتر، سعی باطل است، و باید از سر بگیرد.

پنجم - آن است که سعی بین صفا و مروه از طریق معمول و متعارف باشد، و از غیر آن صحیح نیست.

ششم - آن است که در وقت رفتن به مروه رو به مروه باشد، و در وقت برگشتن به صفا رو به صفا، پس اگر بطور قهقری برود و برگردد که در وقت رفتن به مروه رویش به صفا، و در برگشتن رویش به مروه باشد، سعی صحیح نیست.

هفتم - آن است که لباس و کفش او مباح باشد، بلکه بنابر احوط چیز غصبی همراه نداشته باشد، و اگر سواره سعی می‌کند باید مرکب او غصبی نباشد.

هشتم - از واجبات، ترتیب بین طواف و سعی است، و اگر فراموش کرد یا به جهت ندانستن مسئله، پیش از طواف سعی کرد، احتیاط واجب آن است که دوباره بعد از طواف سعی را بجا آورد.

### - مستحبات سعی

مسئله ۱۲۵. مستحب است کسی که می‌خواهد سعی کند نزد حجر الاسود برود، و آن را بیوسد و دست‌ها یا بدن را به آن بمالد، یا اشاره کند، پس به نزد چاه زمزم رود، و مقداری از آب آن بردارد، و بر سر و پشت و شکم بریزد و بخورد، و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.

پس متوجه صفا شود از دری که محاذی حجر الاسود است - و آن دری است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن در بیرون رفت - با آرامش و خضوع برود بالای کوه صفا، تا نظر کند به خانه کعبه، و رو به رکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و از نعمت‌های الهی بخاطر آورد، پس هفت نوبت الله اکبر بگوید، و هفت نوبت الحمد لله، و هفت نوبت لا اله الا الله، پس سه مرتبه بگوید:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَيَاةُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و سه نوبت بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِيَهْدِيَ عَلَيَّ مَا أَبْلَانَا، وَالْحَمْدُ لِيَهْدِيَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ.

پس سه نوبت بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

و سه مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پس سه مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

پس صد مرتبه بگوید: الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه الحمد لله و صد نوبت سبحان الله پس بگوید:



مستحب است هروله، وقتی از مروه بسوی صفا سعی می‌کند.

### تقصیر

مسئله ۱۲۷. بعد از تمام شدن سعی باید تقصیر کند، یعنی به قصد حلال شدن چیزهایی که در عمره تمتع حجه الاسلام بر او حرام بوده است برای انجام فرمان خداوند متعال مقداری از ناخن‌ها یا موی سر یا ریش یا شارب خود را کوتاه کند، و تراشیدن سر در عمره تمتع کافی نیست بلکه حرام است.

مسئله ۱۲۸. اگر کسی در عمره تمتع بجای تقصیر، حلق کند، و تمام سر را بتراشد بنا بر احتیاط، یک گوسفند قربانی کند هر چند از روی جهل یا نسیان باشد.

مسئله ۱۲۹. اگر کسی تقصیر را فراموش کند و تا بعد از احرام حج، یادش نیاید، عمره او صحیح است، و بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بر او واجب می‌شود.

مسئله ۱۳۰. اگر کسی عمداً تقصیر را ترک کند تا محرم به حج شود، عمره تمتع او باطل است، و حج او حج افراد می‌شود، پس باید حج را تمام کند، و بنا بر احتیاط واجب بعد از حج، یک عمره مفرده بجا آورد، و سال بعد نیز دوباره حج کند.

مسئله ۱۳۱. بعد از تقصیر در عمره تمتع، هر کاری که بر او به سبب احرام حرام شده بود غیر از تراشیدن سر حلال می‌شود، ولی تراشیدن سر جایز نیست، و اگر سر بتراشد باید یک گوسفند کفاره بدهد بنا بر احتیاط هر چند جاهل یا ناسی باشد.

مسئله ۱۳۲. اقوی آن است که در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، و وجوب آن مخصوص به حج و عمره مفرده است خواه، واجب باشد یا مستحب.

مسئله ۱۳۳. اگر وقت بقدری تنگ باشد که اگر بخواهد در وقت ورود به مکه عمره تمتع را بجا آورد بوقوف به عرفات نمی‌رسد، یا زن حائض اگر بخواهد صبر کند تا پاک شود و طواف را بجا آورد وقت وقوف به عرفات می‌گذرد، باید بجای حج تمتع حج افراد بجا آورد، پس اگر بواسطه عذری مثل بیماری و فراموشی و ندانستن مسئله از میقات احرام نبسته است و فعلاً هم متمکن نیست که به میقات برگردد هر چند ادنی الحل باشد باید هر کجا هست محرم شود به احرام حج افراد، و اگر در میقات به جهت عمره تمتع احرام بسته است عدول کند به حج افراد، و با همان احرام اول، تمام اعمال حج را به نحوی که بعداً شرح داده می‌شود به نیت حج افراد بجا آورد، مگر قربانی را که در حج افراد واجب نیست.

و بعد از تمام شدن اعمال حج افراد، باید از حرم بیرون رود، و به نیت عمره مفرده محرم شود، و به مکه برگردد و طواف و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن را بطوری که شرح داده شد انجام دهد، و اگر بدون عذر در میقات احرام نبسته، احرام بستن او از مکه محل اشکال است.

مسئله ۱۳۴. اگر موقعی عمره تمتع را باطل کند که وقت آن که دوباره آن را بجا آورد، نداشته باشد باید حج افراد کند، و بعد از آن عمره مفرده بجا آورد، و بنا بر احتیاط واجب باید سال بعد حج تمتع را بجا آورد.

### مسائل حج تمتع

مسئله ۱۳۵. چنان که گفته شد حج تمتع، مرکب است از عمره تمتع و حج تمتع و گفته شد کسی که تکلیف او حج تمتع است باید اول عمره تمتع را بجا آورد، و پس از انجام اعمال عمره تمتع واجب است جزء دیگر حج تمتع را که به آن نیز حج تمتع می‌گویند بجا آورد و واجبات آن سیزده چیز است.

اول: احرام.

دوم: و وقف به عرفات یعنی ماندن در عرفات که معروف است.

سوم: وقوف به مشعر الحرام که به آن مزدلفه و جمع نیز می‌گویند، و بین منی و عرفات است.

چهارم و پنجم و ششم: اعمال منی است، و اعمال آن در روز عید، انداختن سنگریزه بر جمره عقبه، قربانی کردن، تراشیدن سر یا گرفتن کمی از ناخن یا موی سر است.

هفتم: طواف زیارت.

هشتم: دو رکعت نماز طواف زیارت.

نهم: سعی بین صفا و مروه.

دهم: طواف نساء.

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم: ماندن در منی در شب‌های یازدهم و دوازدهم ذی حجه و بر بعضی حاجیان واجب است که شب سیزدهم را نیز در منی بمانند.

سیزدهم: انداختن سنگریزه بر سه جمره در منی در روز یازدهم و دوازدهم و بعضی باید در روز سیزدهم، به جمره سنگریزه بیندازند، و احکام هر یک از این‌ها بطور مفصل بیان می‌شود انشاء الله تعالی.

## احرام حج

مسأله ۱۳۶. بعد از تمام شدن عمره تمتع واجب است محرم شدن برای حج تمتع، و وقت آن موسع است ولی اگر وقت به قدری تنگ شود که اگر در آن وقت محرم نشود وقوف به عرفات در روز عرفه (نهم ذی حجه) از او فوت می‌شود باید فوراً محرم شود که روز عرفه وقوف به عرفات را درک کند.

مسأله ۱۳۷. پیش از روز ترویبه (هشتم ذی حجه) احرام بستن جایز است، و احتیاط آن است که بیشتر از سه روز پیش از ترویبه احرام نبندد چنان که احتیاط آن است که اگر مُحرم شد پیش از روز ترویبه از مکه خارج نشود، و مستحب آن است که در روز ترویبه مُحرم شود.

مسأله ۱۳۸. در احرام حج تمتع نیز پوشیدن دو جامه احرام (بعد از بیرون آوردن لباس دوخته برای مردها) و نیت و تلبیه به نحوی که در احرام عمره تمتع گذشت واجب است، پس باید نیت کند که احرام می‌بندم برای حج تمتع یعنی: ملتزم می‌شوم و برخورد قرار می‌دهم کارهایی را که در حال احرام حرام است ترک نمایم در حج تمتع، به جهت اطاعت فرمان خداوند متعال، و دستور احرام و کارهایی که در حال احرام ترک آن‌ها واجب است به شرحی است که در احرام عمره گفته شد.

مسأله ۱۳۹. محل احرام بستن برای حج تمتع، مکه است و بنا بر احتیاط واجب تا می‌تواند از مکه قدیم محرم شود.

مسأله ۱۴۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله مُحرم نشود، تا برود به منی یا عرفات، و قبل از اعمال ملتفت شود، باید به مکه برگردد، و محرم شود و با احرام، اعمال را بجا آورد، و اگر برای تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند برگردد، احتیاط آن است که هر قدر می‌تواند برگردد، و اگر نتوانست برگردد، واجب است از همانجائی که ملتفت شده محرم شود.

مسأله ۱۴۱. اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله مُحرم نشود، و بعد از تمام کردن اعمال حج ملتفت شود، حشش صحیح است ولی اگر بعد از گذشتن وقت وقوف به عرفات و مشعر الحرام، و یا پیش از تمام شدن سایر اعمال حج بفهمد که محرم نشده، واجب است فوراً همانجا محرم شود و حج را تمام کند، و احتیاط آن است که سال آینده، دوباره بجا آورد، اگر چه بعید نیست جواز اکتفا به حج اول.



چنانچه سهواً ترک کرد حج او باطل نیست، مگر آن که وقوف به مشعر را هم عمداً یا سهواً ترک کند، که در این صورت حجش باطل است، و تفصیل آن ذکر می‌شود انشاء الله.

مسئله ۱۴۷. در وقوف به عرفات نیت واجب است، به این نحو که نیت کند از ظهر امروز تا مغرب برای حج تمتع حجه الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم در عرفات می‌مانم.

مسئله ۱۴۸. اگر کسی عمداً بعد از گذشتن مقداری از ظهر در عرفات حاضر شود، وقوفش صحیح است و کفاره ندارد، ولی خلاف احتیاط نموده، و بنابر آن که وقوف از اول ظهر تا مغرب واجب باشد گناه کرده است.

مسئله ۱۴۹. جایز نیست پیش از مغرب از عرفات خارج شود، و اگر کسی عمداً پیش از مغرب از عرفات بیرون برود و در همان روز برنگردد، بر او واجب است قربانی کردن یک شتر، که در راه خدا در روز عید در منی نحر کند، و اگر نتواند، هیچ‌کس روز پی در پی روزه بگیرد، و بر او واجب است در صورت توانائی، برگشتن به عرفات و ماندن در آنجا تا غروب، و اگر پشیمان شد و در همان روز به عرفات برگشت نیز بنابر احتیاط مستحب کفاره از او ساقط نمی‌شود.

مسئله ۱۵۰. اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسئله پیش از مغرب از عرفات بیرون رفت، پس اگر در همان روز ملتفت شد، باید برگردد و اگر برنگردد معصیت کرده است، و بنابر احتیاط، کفاره بدهد و اگر بعد از مغرب ملتفت شد چیزی بر او نیست.

مسئله ۱۵۱. اگر بواسطه فراموشی یا تنگی وقت، یا عذر دیگر، نتواند هیچ مقداری از ظهر تا مغرب روز عرفه را در عرفات بماند - باید مقداری از شب عید را تا فجر طالع نشده هر چند کم باشد در عرفات بماند و این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند - و اگر عمداً هیچ مقداری از شب عید را هم در آنجا نماند حج او باطل می‌شود اگر چه وقوف به مشعر را درک نماید.

مسئله ۱۵۲. اگر کسی وقوف به عرفات را به عذری مثل فراموشی یا ندانستن مسئله در وقت اختیاری و اضطراری ترک نمود، ولی وقوف در مشعر الحرام را شب عید یا بین الطلوعین چنانچه خواهد آمد درک کند حجش صحیح است.

مسئله ۱۵۳. هر گاه در پیش قاضی عامه، اول ماه ذی حجه ثابت شود و برای شیعه شرعاً ثابت نشده باشد، و به این جهت روز نهم ذی حجه در نزد آن‌ها روز هشتم در پیش شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری عرفات را در روزی که پیش شیعه نهم است انجام دهد و اگر ممکن نشد اضطراری آن را درک کند، و به مشعر رفته و وقوف در آنجا را نیز درک کند، و اعمال روز عید را در منی بجا آورد، و اگر درک اضطراری عرفات هم ممکن نشد درک اختیاری مشعر کافی است، و حجش صحیح است و درک اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز چنانچه گفته خواهد شد بنابر اقوی کفایت می‌کند، و اگر درک هیچ یک از این مواقع میسر نشود حکم آن، در مسئله بعد ذکر خواهد شد.

مسئله ۱۵۴. هر گاه هلال، نزد قاضی عامه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد، لیکن از جهت تقیه ناچار به متابعت باشند و از عمل به وظیفه خود خائف باشند، اقوی صحت و کفایت همین حج است از حجه الاسلام، هر چند عالم به خلاف باشند و اگر بدون خوف متمکن از عمل به وظیفه باشند احوط آن است که با آن‌ها رجاءاً متابعت کنند، و بعد واجب است عمل به وظیفه خود نمایند، حتی با عدم علم به خلاف.

### مستحبات وقوف به عرفات

۱. خیمه‌اش را در محلی که آن را نمره گویند و متصل به عرفات است بزنند.
۲. در دست چپ کوه و پائین آن در زمین هموار وقوف کند و مکروه است که بالای کوه رود.
۳. بارفقا در یک جا وقوف کند.
۴. با طهارت باشد و غسل کند.



۵. هر چه را که باعث تشویش حواس و مانع از کمال توجه به خدا می‌شود رفع کند.

۶. نماز ظهر و عصر را اول وقت با یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

۷. بعد از نماز بایستد و مشغول دعا شود.

۸. در تمام مدت وقوف، بایستد و نشسته یا سواره بودن در حال وقوف مکروه است، و اگر نمی‌تواند بایستد هر قدر می‌تواند بایستد، و اگر ایستادن مانع از حضور قلب و توجه باشد نشستن بهتر است.

۹. رو به قبله کند، و دل خود را متوجه به خداوند عالم نماید و حمد و ثنای او را بجا آورد، و تمجید و تهلیل بکند و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید و صد مرتبه آیه الکرسی بخواند و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد و هم چنین صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و صد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند.

۱۰. آنچه می‌خواهد دعا کند و دعا زیاد کند که این روز روز دعا و مسألت است و هیچ چیز در نزد شیاطین خوشتر از این نیست که انسان را از خداوند متعال غافل سازند.

۱۱. پناه بردن به خدا از شیطان.

۱۲. شمردن گناهان و توبه و استغفار کردن.

۱۳. گریه کردن، و اگر نتواند، خودش را بگریه وادار کند.

۱۴. دعا برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن، و اقل آن چهل نفر است، و در حدیث است که آنچه او برای برادر مؤمن طلب کند فرشته‌ای موکل است که برای او صد هزار برابر آن را طلب کند.

۱۵. تمام زمان وقوف را به دعا و استغفار و ذکر خدا صرف کند، و بعضی از علما این را واجب دانسته‌اند، و دعاهای منقوله را بخواند خصوصاً دعای صحیفه کامله، و دعای حضرت امام حسین علیه‌السلام و زیارت آن حضرت و دعای حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام.

و مستحب است که بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أُخْيَبٍ وَفِدِكَ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ.

اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فَكُنْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَلَا تَسِدْ تَدْرِجِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَمَنِّكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي (كَذَا وَ كَذَا) (وَأَنْ تُرْزِقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ).  
آن‌گاه حاجت خود را بخواهد پس دست بجانب آسمان بردارد و بگوید:

اللَّهُمَّ حَرَّاجَتِي إِلَيْكَ إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَكَ الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَأَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَأَحْيَيْتُهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَوَةً طَيِّبَةً.

پس بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَسَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ اللَّهُمَّ لَكَ صِلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تَرَاتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ الْفَقْرِ وَمِنَ وَسْوَاسِ الصُّدْرِ وَمِنَ شَتَاتِ الْأُمْرِ وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا

تَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ فَاسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَفِي بَصِيرَتِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَعِظَامِي وَعُرْوِقِي وَمَفْعَلِي وَمَقَامِي وَمِدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّي يَوْمَ الْقَاكِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و تا تواند در این روز از خیرات و تصدقات کوتاهی نکند خصوصاً بنده آزاد کردن و دیگر رو به قبله کند و بگوید:  
(سُبْحَانَ اللَّهِ) صد بار و (اللَّهُ أَكْبَرُ) صد بار و (مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) صد بار (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) صد بار  
پس ده آیه اول سوره بقره را بخواند و آن ده آیه این است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الم {۱} ذِكْرُكَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ {۲} الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ {۳} وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ {۴} أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ {۵} إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ {۶} خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ {۷} وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ {۸} يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ {۹} فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ {۱۰}

دیگر سوره قل هو الله احد سه بار بخواند و آیه الکرسی را بخواند و آیه سخره را که در سوره اعراف آیه (۵۴) است بخواند و آن آیه این است:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

پس معوذتین را بخواند سپس نعمت‌های الهی را یک یک بشمارد آن‌چه بداند از اهل و مال و سایر نعمت‌ها و رفع بلا و بگوید:  
اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَى بِعَمَلٍ.

و حمد کند حق سبحانه و تعالی را به هر آیه‌ای که در آن حمد کرده است خداوند عالم را با آن در قرآن، و تکبیر کند به هر تکبیری که خداوند عالم تکبیر خود کرده است در قرآن، و تهلیل کند بذکر لا اله الا الله که حق سبحانه و تعالی تهلیل خود کرده است به آن در قرآن، و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد و جهد و سعی کند در آن، و بخواند حق سبحانه تعالی را به نام‌هایی که خود را به آن در قرآن خوانده است و به هر اسمی که داند و به اسماء آخر سوره حشر، و بگوید.

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَكَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ.

و هر حاجت که دارد بخواند و از حق سبحانه و تعالی طلب کند که توفیق حج بیابد در سال آینده و هر سالی و هفتاد مرتبه بگوید:  
(أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ) و هفتاد مرتبه (أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ) بگوید.

پس بخواند دعائی را که جبرئیل در این مقام به حضرت آدم علیه‌السلام تعلیم نمود برای قبول توبه او:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و چون آفتاب فرو رود بگوید:

اَللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتِتِ الْأُمْرِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَخِذُّ لِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَأَمْسَى خَوْفِي



مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذَنْبِي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُزِحِّمَ، جَلَلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتَكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَأَرْزُقْنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پس روانه به جانب مشعر الحرام شود با آرام تن و استغفار کند و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَأَرْزُقْنِي الْعَوْدَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي، مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَداً مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبُرُوكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفَرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيْمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْمَالٍ أَوْ قِلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِي.

و بسیار بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مِنَ النَّارِ.

و بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي، وَرِدِّ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ دِينِي، وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.

### وقوف به مشعر

مسئله ۱۵۵. بر کسی که حج بجا می آورد بعد از وقوف به عرفات، وقوف به مشعر الحرام که آن را مزدلفه و جمع نیز می نامند واجب است، و آن مکانی است که در بین عرفات و منی واقع است. و معروف است، پس باید بعد از مغرب روز نهم از عرفات بسوی مشعر کوچ کند، و احتیاط واجب آن است که عمداً تا طلوع فجر تأخیر نیندازد، هر چند اگر تأخیر انداخت و بین الطلوعین را درک کرد حج او صحیح است، و واجب است که شب را در آنجا بماند و احتیاط آن است که در مشعر ذکر خدا را ترک نکند، هر چند مختصر و کم باشد. و باید نیت کند که برای اطاعت فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجه الاسلام شب را تا صبح در مشعر الحرام می مانم، و نباید عمداً بدون عذر پیش از اذان صبح کوچ کند، هر چند اگر مقداری از شب مانده باشد و کوچ کند حجتش صحیح است، و لیکن معصیت کرده و یک گوسفند کفاره باید ذبح کند، و چون فجر طالع شود دوباره جهت بین الطلوعین نیت وقوف کند، پس در حج تمتع قصد کند که برای اطاعت فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجه الاسلام از حالا تا اول طلوع آفتاب در مشعر الحرام می مانم، و ممکن است که از ابتدا قصد کند شب را تا طلوع فجر و از طلوع فجر تا اول آفتاب می مانم و به همان قصد باقی باشد.

مسئله ۱۵۶. اگر چه اشهر و احوط آن است که ماندن در مشعر تا طلوع آفتاب واجب است، لیکن بعید نیست استجباب کوچ کردن کمی پیش از آفتاب، ولی باید از وادی محسّر که اسم محلی است نگذرد، بلکه بنابر احتیاط، وارد وادی محسّر نشود، پس اگر عمداً پیش از طلوع آفتاب از وادی محسّر بگذرد گناه کرده است، و احوط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، اگر چه اقوی واجب نبودن کفاره است.

مسئله ۱۵۷. ماندن در مشعر الحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب بمقداری که عرفاً بگویند در آنجا توقف کرده است رکن می باشد، پس اگر کسی عمداً آن را ترک کند حجتش را باطل می شود، مگر آن که مقداری از شب را در مشعر توقف کرده باشد، که در این صورت حج او صحیح است لیکن گناه کرده است، و به کفاره که یک گوسفند است جبران می شود.

مسئله ۱۵۸. کسانی که کار ضروری داشته باشند و پیرمردها و زنها و بیماران که اگر تا صبح در مشعر بمانند بواسطه ازدحام و زیادی جمعیت در زحمت می افتند، اگر شب را در مشعر به قصد وقوف مانده باشند می توانند پیش از طلوع فجر از مشعر به منی بروند، و اگر بدون عذر پیش از اذان صبح از مشعر بیرون بروند حجتشان صحیح است، به شرط آن که وقوف به عرفات را انجام داده باشند، و شب را در مشعر به قصد وقوف مانده باشند، ولیکن بر آنها یک گوسفند کفاره واجب است.

و اگر سهواً یا جهلاً قبل از طلوع فجر کوچ کنند کفاره بر آنها واجب نمی‌شود، ولیکن باید بعد از التفات و تنبه در صورتی که متمکن از رجوع باشند برای وقوف بین الطلوعین برگردند.

مسئله ۱۵۹. کسی که شب و بین الطلوعین روز عید به جهت عذری نتوانسته است در مشعر وقوف کند، در صورتی که از اول آفتاب روز عید تا پیش از ظهر مقداری در آنجا بماند حجتش صحیح است، به شرط آن که درک اختیاری یا اضطراری عرفه را کرده باشد.

مسئله ۱۶۰. چنان که معلوم شد وقوف در مشعر سه قسم است که دو قسم آن وقوف اضطراری مشعر است.

اول - وقوف شب عید است برای کسانی که بواسطه عذری نتوانند بعد از طلوع فجر در مشعر بمانند.

دوم - وقوف در روز عید تا پیش از ظهر است برای کسانی که به وقوف شب و وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب نرسیده باشند، و یک قسم آن وقوف اختیاری مشعر است، و آن از اذان صبح تا اول آفتاب روز عید است، و چون عرفات هم به شرحی که گفته شد دو وقوف دارد، یکی وقوف اختیاری و آن ماندن در عرفات است از ظهر تا مغرب روز نهم و یکی وقوف اضطراری و آن ماندن در عرفات است در مقداری از شب دهم، پس به ملاحظه ادراک هر دو وقوف (وقوف به مشعر و وقوف به عرفات) یا ادراک اضطراری یکی، و اختیاری دیگری، و نرسیدن به اضطراری و اختیاری هر دو وقوف، اقسام آن، نه قسم می‌شود:

اول - آن که وقوف به عرفات و وقوف به مشعر هر دو را در وقت اختیاری انجام دهد، که حج او بی اشکال صحیح است.

دوم - آن که هیچ یک از اختیاری و اضطراری دو وقوف را درک نکند، که در این صورت حج از او فوت شده است، پس به همان احرام حج، عمره مفرده که عبارت از طواف و نماز و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن باشد بجا می‌آورد، و بعد از این اعمال از احرام بیرون می‌رود، و اگر گوسفند همراه او باشد، قربانی کند، و مستحب است که بماند در منی با حاجیان و چون به مکه رود اعمال عمره را بجا آورد و اگر حج بر او مستقر بوده باید در سال آینده به حج برود، و هم چنین در صورتی که حج بر او مستقر نشده اگر سال بعد مستطیع شود باید حج کند.

سوم - آن که اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر درک کند، که در این صورت حجتش صحیح است.

چهارم - آن که اختیاری مشعر و اضطراری عرفات را درک کند، که در این صورت نیز حجتش صحیح است.

پنجم - آن که اضطراری هر دو وقوف را درک کند، که اقوی در این صورت هم صحت حج است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که در سال آینده با بقاء شرایط وجوب، حج را اعاده نماید.

ششم - آن که فقط وقوف اضطراری مشعر را درک کند، که در این صورت اگر چه صحت حجتش بعید نیست ولی احتیاط ترک نشود به انجام اعمال به قصد ما فی الذمه از عمره و حج و بجا آوردن حج در سال آینده در صورت استقرار حج بر او یا بقاء استطاعت.

هفتم - تنها ادراک وقوف اختیاری عرفات است، و احتیاط در آن ترک نشود به این که اعمال را بقصد ما فی الذمه از عمره و حج بجای آورد و در سال بعد نیز در صورتی که حج بر او مستقر بوده یا استطاعتش باقی باشد حج بجای آورد.

هشتم - تنها ادراک اختیاری مشعر است، که در این صورت نیز حجتش صحیح است.

نهم - آن که فقط اضطراری عرفات را درک کند که حج در این صورت صحیح نیست.

مسئله ۱۶۱. کسی که یکی از وقوف اختیاری یا اضطراری عرفات یا مشعر را عمداً ترک کند حج او باطل است مثلاً اگر از ظهر تا غروب با تمکن عمداً در عرفات هیچ توقف نکرد حج او باطل است چه مقداری از شب در عرفات بماند یا نماند و چه شب عید یا ما بین الطلوعین یا پیش از ظهر آن در مشعر توقف کند یا نکند و هم چنین اگر از ظهر تا مغرب معذور باشد از توقف در عرفات، اما وقوف مقداری از شب عید را در عرفات عمداً ترک کند حج او باطل است، اضطراری مشعر یا اختیاری آن را درک کند یا نکند، و

هم چنین اگر بین طلوعین مشعر را بدون عذر ترک کند حج او باطل است، چه اختیاری یا اضطراری عرفات را درک کرده باشد یا نکرده باشد، و چه تا ظهر مشعر را درک کرده باشد یا نکرده باشد، و اگر بین طلوعین از جهت عذر ترک شود، لکن وقوف مقداری از شب عید را در مشعر با تمکن ترک کرده حج او باطل است، چه سایر وقوفات را درک کرده باشد یا درک نکرده باشد، و اگر کسی بواسطه عذر، تکلیف او وقوف قبل از ظهر عید شد در مشعر، و عمداً آن را ترک کند حج او باطل است، هر چند وقوف عرفات را درک کرده باشد.

### مستحبات وقوف به مشعر

مسأله ۱۶۲. مستحبات وقوف به مشعر چند چیز است: از جمله آن که از عرفات به سوی مشعر الحرام با وقار و آرامی دل و بدن برود، و استغفار کند، و مرکب را، تند نراند، و کسی را آزار نرساند، و چون به تل سرخ رسد از طرف دست راست راه برود و بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي، وَرِدِّ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي، وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي.  
و شهید (قدس سره) در دروس فرموده که بعد از این دعا بگوید:  
اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَأَرْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبْتَغِيْتَنِي.  
و در حال حرکت بسیار بگوید:

اللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

و نماز مغرب و عشا را تأخیر کند تا مشعر الحرام، و اگر چه ثلث شب بگذرد.

ولی اگر نتواند پیش از نصف شب به مشعر برسد باید پیش از رسیدن به مشعر نماز را بجا آورد. و برای نماز مغرب اذان و اقامه و برای عشا فقط اقامه بگوید، و میان نماز مغرب و عشا فاصله نیندازد، بلکه نافله مغرب را بعد از نماز عشا رجاءاً بخواند. و در وادی در جانب راست راه فرود آید، و این دعا را بخواند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتِكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنَزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.

و تا مقدور باشد آن شب را به عبادت و طاعت الهی به روز آورد، که در خبر است که درهای آسمان در این شب بسته نمی‌شود، و اصوات مؤمنان بالا می‌رود، و خداوند عالم می‌فرماید: من خداوند شمایم و شما بندگان من هستید، ادا کردید حق مرا و بر من لازم است که اجابت نمایم دعاها را پس برای بعضی از ایشان تمام گناهان را می‌آمرزد، و بعضی را بعض گناهان می‌آمرزد، و مستحب است که هفتاد سنگریزه برای رمی جمرات در این شب از اینجا بردارد، و مستحب است که غسل کند و در حال وقوف با

وضو باشد و دعاها را منقوله از ائمه علیهم السلام را بخواند، و حمد و ثنای الهی را بجای آورد، و این دعا را نیز بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مِدْعُوٍّ، وَخَيْرُ مَسْرُؤُولٍ، وَلِكُلِّ وَاقِدٍ حَائِزَةٌ فَاجْعَلْ حَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي وَمَوْقِفِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقَبَّلَ مَعِذْرَتِي، وَأَنْ تَحَيِّرَ أَوْزَ عَنِّ حَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي وَتَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَرُؤَاةِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ.

و دعا بسیار کند به جهت پدر و مادر و برادران و اهل و مال و فرزندان، و احتیاط آن است که بمقداری که عرفاً گفته شود ذکر خداوند عالم نموده دعا کند، یا ذکر خداوند متعال بنماید.

بهتر آن است که کمی پیش از طلوع آفتاب از مشعر کوچ کند، لیکن بنا بر احتیاط داخل وادی محسّر نشود تا آفتاب طلوع کند.

و چون آفتاب به کوه ثبیر افتد هفت مرتبه به گناهان خود اقرار کند، و هفت مرتبه استغفار نماید و چون روانه منی شود با ذکر و استغفار و آرامی و وقار برود، و چون به وادی محسّر برسد، اگر پیاده باشد، هروله کند به نحوی که در سعی گفته شد، و اگر سواره باشد مرکب خود را تند براند، و اگر هروله را فراموش کرد برگردد و هروله کند، و در وقت هروله بگوید:

اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي (و بگوید) رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْتُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

### اعمال منی در روز عید

مسأله ۱۶۳. چهارم و پنجم و ششم از کارهای حج تمتع اعمال واجب منی است و آن سه عمل است:

۱. رمی جمره عقبه.

۲. قربانی.

۳. حلق یا تقصیر.

در روز عید باید حجاج از مشعرالحرام به محلی که آن را منی می‌گویند بروند، و در آن جا این سه عمل را به شرحی که گفته می‌شود انجام دهند.

### رمی جمره عقبه

مسأله ۱۶۴. اول از کارهای واجب در منی رمی جمره عقبه یعنی انداختن هفت سنگریزه به جمره عقبه است، و وقت آن بعد از طلوع آفتاب روز عید تا غروب است، و اگر سهواً یا جهلاً ترك کرد باید روز بعد تا روز سیزدهم، روزها بجا آورد، و اگر تا روز سیزدهم ملتفت نشد باید در سال آینده خودش برود رمی کند، یا نایب بگیرد که از طرف او بجا آورد.

مسأله ۱۶۵. جایز نیست رمی جمره در شب، مگر برای مریض و خائف (کسی که از دشمن می‌ترسد) و کسانی که از رمی در روز عذر داشته باشند، تا وقتی که خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نایب بگیرند، و در جواز رمی در شب برای صاحبان عذر، فرقی نمی‌کند که شب قبل رمی کنند یا شب بعد، و اگر متمکن نباشند که رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند می‌توانند رمی سه روز را در یک شب بجا آورند.

مسأله ۱۶۶. سنگریزه‌ها باید طوری باشد که عرفاً آن‌ها را سنگ بگویند، و از سنگریزه‌های حرم و بکر باشد، یعنی خودش یا کس دیگر قبلاً به طور صحیح با آن‌ها رمی نکرده باشد.

مسأله ۱۶۷. در رمی پنج چیز شرط است:

اول - نیت کند که هفت سنگ به جمره عقبه در حج تمتع حججه الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم می‌اندازم.

دوم - انداختن سنگریزه‌هاست، پس اگر آن‌ها را به جمره بگذارد کافی نیست.

سوم - آن که سنگریزه‌ها بواسطه انداختن به جمره برسد، پس اگر بجای دیگر بخورد و از آن جا به جمره برسد، یا بواسطه انسان دیگر یا حیوانی به جمره برسد کافی نیست، و اگر شک کند که به جمره خورده یا نه بنا بر ن خوردن بگذارد.

چهارم - آن که سنگ‌هایی که می‌اندازد از هفت عدد کمتر نباشد.

پنجم - آن که آن‌ها را پشت سر هم جدا جدا بیندازد، پس اگر با هم بیندازد صحیح نیست، اگر چه پشت سر هم به جمره برسند، و اگر پشت سر هم بیندازد و با هم به جمره برسند، صحیح است هر چند وقوعش به این نحو بعید است.

مسأله ۱۶۸. اگر سهواً یا جهلاً کمتر از هفت سنگریزه رمی

کند، و پیش از به هم خوردن موالات عرفیه متوجه گردد، باید بقیه را بجا آورد، و اگر موالات به هم خورده باشد احتیاط آن است که باقی مانده را بجا آورد، و دوباره به طور کامل رمی نماید.

مسئله ۱۶۹. اگر در عدد سنگریزه‌هایی که انداخته، شک کند، بنا را بر کمتر بگذارد و عدد را تمام کند.

### مستحبات رمی

مسئله ۱۷۰. مستحب است که سنگریزه‌ها را شب عید از مشعر بردارد، و مستحب است که سنگریزه‌ها رنگین یا برنگ سرمه‌ای یا رنگ دیگر و نقطه دار باشند. و آن‌ها را دانه دانه از روی زمین بردارد و بقدر سر انگشت و سست باشند، و مستحب است که در وقت سنگ انداختن پیاده و با وضو باشد، بلکه احوط آن است، که سنگ‌ها را بدست چپ بگیرد و با دست راست بیندازد، و نیز مستحب است که رمی مقارن ظهر باشد. و وقتی سنگریزه‌ها را بدست می‌گیرد این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي، وَارْفَعُهُنَّ فِي عَمَلِي.

و هر سنگریزه که می‌اندازد این دعا را بخواند:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا.

و میانه او و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع فاصله باشد، و پشت به قبله کند و روی به جمره، به خلاف دو جمره دیگر که مستحب است در آن‌ها رو به جانب قبله باشد، و آن که سنگریزه را بر انگشت بزرگ بگذارد، و با ناخن انگشت شهادت (سبابه) بیندازد، و چون بجای خود آید در منی، سنت است که این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

### قربانی

مسئله ۱۷۱. واجب دوم از واجبات منی در حج تمتع بعد از رمی جمره عقبه قربانی کردن یک شتر، یا یک گاو یا یک گوسفند در روز عید است، و از دو نفر یا بیشتر یک قربانی کفایت نمی‌کند، بلکه بر هر حاجی یک قربانی واجب است.

مسئله ۱۷۲. اگر کسی از روی جهل یا نسیان یا بواسطه عذری در روز عید قربانی نکرد، باید تا آخر ذی حجه قربانی نماید، و احوط آن است هر چه ممکن است زودتر قربانی کند.

مسئله ۱۷۳. در قربانی نیت قربانی شرط است، پس اگر خودش قربانی را ذبح می‌کند باید در حج تمتع قصد کند ذبح یا نحر قربانی را، که در حج تمتع حجه الاسلام واجب است برای اطاعت امر خداوند متعال، و اگر برای ذبح نایب می‌گیرد باید نایب نیت کند که ذبح می‌کنم قربانی واجب حج تمتع حجه الاسلام کسی را که مرا نایب نموده برای اطاعت فرمان خداوند متعال، و احوط آن است که علاوه بر نایب، خودش هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیت کند و اگر حاضر نیست موقعی که نایب یا وکیل را که از طرف او برای ذبح نایب می‌گیرد می‌فرستد، نیت کند و نیت را تا وقت ذبح مستمر بدارد، و چنان که به آن اشاره شد لازم نیست نیت را در دل خطور دهد، بلکه همین قدر که داعی او بر این کار اطاعت خداوند متعال باشد کافی است و همین قدر که غفلت از حج و وظیفه نباشد بطور عادی این امور با نیت و قصد قربت واقع می‌شود و مشکلی نیست.

مسئله ۱۷۴. اگر قربانی پیدا نشود باید پول آن را نزد شخص

مورد اعتمادی بگذارد که در بقیه ماه ذی الحجه بگیرد و ذبح کند، و اگر در این سال ممکن نشد در سال آینده بگیرد و ذبح نماید.

مسئله ۱۷۵. اگر قربانی شتر باشد، شرط است که پنج سال آن تمام شده باشد، و داخل در سال ششم شده باشد، و اگر گاو یا بز

باشد احوط آن است که دو سالش تمام و داخل در سال سوم شده باشد، و اگر میشد باشد احوط آن است که سال اولش تمام و داخل در سال دوم شده باشد.

مسئله ۱۷۶. قربانی باید صحیح باشد و اعضایش ناقص نباشد، پس قربانی کور و لنگ و ناخوش و بسیار پیر کافی نیست، حتی اگر کمی از گوش آن را بریده باشند یا از شاخ داخلی او چیزی کم باشد کفایت نمی‌کند، و نیز باید لاغر نباشد، و مشهور آن است که همین قدر که در گرده آن پیه باشد کافی است، و احوط آن است که علاوه بر این طوری باشد که عرفاً آن را لاغر نگویند. مسئله ۱۷۷. اگر گوش قربانی شکافته یا سوراخ باشد ضرر ندارد.

مسئله ۱۷۸. احتیاط واجب آن است که حیوانی را که شاخ یا گوش یا دم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

مسئله ۱۷۹. قربانی کردن حیوانی که بیضتینش را کشیده‌اند کفایت نمی‌کند و احتیاط آن است که حیوانی که عروق و بیضتین او را مالیده باشند قربانی نکند.

مسئله ۱۸۰. اگر حیوانی را خرید و ذبح کرد، به گمان آن که صحیح است، و بعد معلوم شد ناقص است کفایت نمی‌کند.

مسئله ۱۸۱. اگر قربانی را بگمان چاقی ذبح کرد و لاغر درآمد کافی است.

مسئله ۱۸۲. اگر قربانی را با گمان لاغری ذبح کرد به احتمال آن که چاق باشد و چاق درآمد کافی است، ولی اگر لاغر درآمد کافی نیست.

مسئله ۱۸۳. اگر حیوانی را با علم به این که لاغر است از راه ندانستن مسئله قربانی کند، و بعد معلوم شود چاق است کفایت می‌کند، ولی اگر با علم به لاغر بودن و دانستن مسئله آن را ذبح نماید هر چند چاق در آید کفایت نمی‌کند.

مسئله ۱۸۴. اگر قربانی با خود نداشته باشد، و پول هم ندارد، که بتواند آن را بخرد، باید ده روز روزه بگیرد سه روز پی در پی در حج، و آن روز هفتم و هشتم و نهم ذبحه است، و بعد از آن که به وطنش برگشت هفت روز دیگر روزه بگیرد، و احتیاط مستحب در این هفت روز روزه آن است که پی در پی و متوالی باشد.

مسئله ۱۸۵. اگر کسی که نمی‌تواند قربانی بخرد نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم و یک روز هم بعد از برگشتن از منی روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که در این صورت بعد از برگشتن از منی سه روز متوالی روزه بگیرد که اول آن سه روز، روز کوچ کردن و حرکت از منی باشد، و قصدش انجام تکلیف سه روزه در ضمن پنج روز باشد. و اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را نگیرد، بلکه صبر کند بعد از مراجعت از منی بگیرد، و احتیاط آن است که بعد از مراجعت از منی هر چه زودتر بگیرد، اگر چه اشهر آن است که تا آخر ذی حجه می‌شود بجا آورد.

مسئله ۱۸۶. اگر بعد از روزه سه روز قادر بر خریدن قربانی شد احتیاط آن است که بخرد و ذبح نماید.

مسئله ۱۸۷. اگر قربانی ناقص و مریض یافت شود و گوسفند بی عیب و سالم نباشد، واجب است ناقص را قربانی کند و به آن اکتفا می‌شود، و احتیاط مستحب آن است که سه روز در حج و هفت روز پس از حج به شرحی که گفته شد روزه بگیرد.

مسئله ۱۸۸. احتیاط واجب آن است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه دهد، و مقداری را به فقیر مؤمن صدقه بدهد، و احتیاط آن است که هدیه را هم به مؤمن دهد، و این که هر یک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد، و در هدیه فقر شرط نیست.

مسئله ۱۸۹. لازم نیست که سهم هر یک را جدا کند، بلکه اگر همین طور هدیه و تصدق کند، و بعد آن فقیر مؤمن، و مؤمنی که هدیه را قبول کرده سهم خود را به دیگری صدقه بدهد اشکال ندارد، و اگر پیش از عمل کردن به این احتیاط، افرادی قربانی را به دزدی یا غارت ببرند، لازم نیست دوباره قربانی کند. ولی اگر قربانی را به آن‌ها بدهد، باید قیمت گوشت قربانی سهم فقرا را به فقرا برساند، نه قیمت گوسفند زنده را.



مسأله ۱۹۰. چون ممکن است در منی بواسطه حاضر نبودن فقیر مؤمن، تصدق دادن ثلث قربانی به مؤمن فقیر و هم چنین هدیه دادن ثلث آن به مؤمن ممکن نباشد، بهتر این است که از بعض برادران دینی خود، و از بعض فقرای مؤمن که آن‌ها را می‌شناسد در شهر خود، و کالت بگیرد که از جانب آن‌ها ثلث قربانی را به هدیه، و ثلث آن را به صدقه قبول کند، و هم چنین وکالت بگیرد که بعد از قبول کردن از جانب آن‌ها هر عملی می‌خواهد انجام دهد، در این صورت در منی ثلث آن را به فقیر مؤمنی که از طرف او وکالت دارد صدقه دهد، و ثلث دیگر را بمؤمن دیگری که از جانب او وکیل است هدیه بدهد، و از طرف آن‌ها قبول کند و بعد به هر کس خواست بدهد یا همانجا بگذارد و برود.

مسأله ۱۹۱. اگر حاجی عمداً خودش از گوشت قربانی نخورد، گناه کرده لیکن به حج او ضرر نمی‌رساند.

### مستحبات قربانی

مسأله ۱۹۲. مستحبات قربانی شش چیز است:

۱. آن که قربانی شتر باشد و بعد از آن گاو و بعد از گاو گوسفند.
۲. قربانی بسیار چاق و فربه باشد.
۳. اگر شتر یا گاو است ماده باشد، و اگر گوسفند یا بز است نر باشد.
۴. شتر در حال نحر ایستاده و از سر دست‌ها تا زانوی آن بسته باشد، و کسی که قربانی می‌کند در طرف راست شتر بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودی گردنش فرو برد.
۵. در وقت نحر شتر یا ذبح گاو و گوسفند بگوید:  
وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَيَدْلِكَ أُمُوتٌ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.  
(و در بعضی روایات این تتمه وارد شده است.)  
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَمُوسَى كَلِيمِكَ وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ.
۶. مستحب است که خودش قربانی را نحر یا ذبح کند و اگر نمی‌تواند دست روی دست کسی که آن را می‌کشد بگذارد.

مسأله ۱۹۳. قربانی را به کسی می‌توان داد سر ببرد که ذبیحه او حلال باشد (یعنی مسلمان باشد هر چند اثنا عشری نباشد).

### حلق یا تقصیر

مسأله ۱۹۴. بعد از قربانی کردن باید حلق کنند، یعنی سرشان را بتراشند یا تقصیر نمایند، یعنی قدری از ناخن یا موی شارب خود را بگیرند، و برای مردی که موی سر خود را با یکی از مواد چسبنده چسبانیده، یا موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته باشد، احتیاط لازم تراشیدن تمام سر است، و هم چنین هر کسی که حج اول او باشد احتیاط واجب برای او تراشیدن موی تمام سر و اکتفا نکردن به تقصیر است.

مسأله ۱۹۵. بر زن‌ها و خنثی، یعنی کسی که هم آلت مردی و هم آلت زنی دارد، واجب است تقصیر کردن، یعنی ناخن گرفتن یا از مو گرفتن و برای آن‌ها سر تراشیدن جایز نیست.

مسأله ۱۹۶. در حلق یا تقصیر باید نیت کند که برای انجام فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجه الاسلام سر خود را می‌تراشم یا مو یا ناخن خود را می‌گیرم، و بهتر آن است که کسی سر او را می‌تراشد نیز نیت کند.

مسأله ۱۹۷. وقتی حاجی حلق یا تقصیر نمود، هر چه بر او در احرام حرام شده بود حلال می‌شود، مگر زن و صید و بوی خوش.



مسأله ۱۹۸. بنا بر احتیاط واجب باید رمی و قربانی و حلق یا تقصیر را به ترتیب بجا آورد، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله اول قربانی کرد و بعد رمی و حلق نمود یا اول حلق کرد و بعد رمی و قربانی را انجام داد، ضرر ندارد و اگر عمداً خلاف ترتیب عمل کند مشهور آن است که اعاده واجب نیست، ولی اگر احتیاط ممکن باشد ترک نکند.

مسأله ۱۹۹. اگر در روز عید حلق یا تقصیر را فراموش کرد تا از منی بیرون رفت، واجب است برگردد و حلق یا تقصیر کند، و اگر ممکن نشود در هر جا یادش آمد حلق یا تقصیر کند، و مستحب است اگر ممکن شود موی خود را به منی بفرستد، که در آنجا دفن شود.

مسأله ۲۰۰. اگر حلق یا تقصیر را فراموش کند، و بعد از طواف یادش بیاید باید حلق یا تقصیر کند، و دوباره طواف را بجا آورد، و اگر بعد از طواف و سعی یادش بیاید، باید بعد از حلق یا تقصیر دوباره طواف و سعی را انجام دهد.

### مستحبات حلق و تقصیر

مسأله ۲۰۱. مستحبات حلق و تقصیر سه چیز است.

۱. در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند.

۲. از طرف راست جلو سر شروع کند و این دعا را بخواند.

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۳. موی سر را در منی در محل خیمه خود دفن کند، و احوط آن است که از اطراف سر و ریش و شارب مو بگیرد، و ناخن‌ها را نیز بگیرد.

### واجبات بعد از اعمال منی

مسأله ۲۰۲. هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم از واجبات حج تمتع، طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه و طواف نساء و نماز آن می‌باشد، پس واجب است بعد از رمی و قربانی و حلق یا تقصیر، از منی به مکه برگردد، و آن‌ها را به دستوری که در عمره تمتع گفته شد بجا آورد، لیکن واجب نیست که بعد از اعمال منی فوراً به مکه برگردد، بلکه می‌تواند تا روز یازدهم برگشتن به مکه را تأخیر بیندازد، و بلکه بعید نیست جایز باشد تا آخر ذی حجه اعمال مکه را تأخیر بیندازد، اگر چه احوط آن است که تأخیر نیندازد.

مسأله ۲۰۳. جایز نیست برای متمتع پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی بجا آوردن طواف و سعی، ولی کسی که نتواند بعد از برگشتن به مکه آن را بجا آورد مثل زن که گمان کند بعد از برگشتن از منی حیض یا نفاس ببیند یا آن که پیرمرد بواسطه زیادی جمعیت بعد از برگشتن نتواند طواف کند، در این صورت برای او جایز است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد، و احتیاط آن است که بعد از برگشتن اگر ممکن شود در ایام تشریق (روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) و اگر نه تا آخر ذیحجه طواف و سعی را دوباره بجا آورد.

مسأله ۲۰۴. کسی که یقین دارد بعد از برگشتن از منی در تمام ماه برای او طواف و سعی ممکن نمی‌شود، واجب است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد، ولی احوط آن است که پس از مراجعت از منی کسی را نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز و سعی را بجا آورد.

مسأله ۲۰۵. بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن، و سعی بین صفا و مروه علاوه بر آن‌چه بواسطه تقصیر بر او حلال شده بود، بوی خوش نیز بر او حلال می‌شود، ولی صید و زن بر او حرام است، و وقتی طواف نساء و نماز آن را که دستورش مثل طواف

زیارت و نماز آن است بجا آورد، زن و صیدهائی که برای احرام بر او حرام شده بود بر او حلال می‌شود، اما صید حیوانات حرم که حرمت آن برای حرم است بر او حرام می‌باشد، و احتیاط واجب در حج تمتع آن است که پیش از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب کند.

مسئله ۲۰۶. از آنچه گفته شد معلوم شد که هر کس حج تمتع بجا می‌آورد بتدریج محرمات احرام در سه مرتبه بر او حلال می‌شود: اول - بعد از حلق یا تقصیر. دوم - بعد از سعی بین صفا و مروه. سوم - بعد از نماز طواف نساء.

مسئله ۲۰۷. اگر کسی عمداً اگر چه جاهل باشد یا سهواً طواف نساء و نماز آن را ترک نماید حجتش فاسد نمی‌شود، بلکه واجب است آن را بجا آورد، و تا آن را بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، حتی عقد کردن و شاهد عقد شدن هم حرام است، و احتیاط واجب آن است که ادای شهادت هم ننماید، و هم چنین زن تا طواف نساء را بجا نیاورد مرد بر او حلال نمی‌شود.

### مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء

مسئله ۲۰۸. مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء چند چیز است:

از جمله آن که روز عید، بعد از اعمال منی به مکه برگردد، و اگر نشد فردای آن روز که روز یازدهم است مراجعت به مکه کند، و دیگر آن که غسل کند، و متوجه مسجدالحرام شود، و ذکر و تمجید و تعظیم الهی را بجا آورد، و بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم، صلوات بفرستد، و چون به در مسجدالحرام آید این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نَسِيكَ، وَسَيِّئَاتِي لَهُ وَسَيِّئَاتِي لِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تُزَجِّعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلْدُ بِلَدِّكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتِكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُّ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لَأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ الْمُضْطَّرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لَأَمْرِكَ، الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

پس به نزد حجرالاسود بیاید و آن را ببوسد، و آنچه در طواف عمره بجای آورده بجا آورد، و تکبیر بگوید و نیت کند، و هفت شوط بدستوری که در طواف عمره گفته شد طواف کند، آداب طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، چنان است که سابقاً در طواف و سعی عمره گفته شد.

### ماندن در منی در شب‌های تشریق

شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم

مسئله ۲۰۹. دوازدهم از واجبات حج تمتع، ماندن در منی در شب‌های یازدهم و دوازدهم است، و اگر از زن یا صید پرهیز نکرده باشد واجب است شب سیزدهم را نیز بماند، پس بر کسی که حج می‌گذارد اگر روز عید برای طواف و سعی به مکه رفته باشد، واجب است برای آن که این شبها را در منی به سر برد به منی برگردد.

مسئله ۲۱۰. برگشتن از منی بعد از ظهر روز دوازدهم جایز است، و قبل از ظهر جایز نیست. و اگر تا شب برنگشت باید شب را در آنجا بماند، و در روز سیزدهم نیز به سه جمره سنگ بیندازد.

مسئله ۲۱۱. برای ماندن در منی در این شبها باید نیت کند که این شب را در منی می‌مانم از برای حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند متعال.

مسئله ۲۱۲. باید تا بعد از نصف شب در منی بماند، پس اگر بعد از نصف شب بیرون رود ضرر ندارد، و احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود.

مسئله ۲۱۳. اگر کسی بدون عذر، ماندن در این شبها را در منی ترک کند گناه نموده لیکن حج او صحیح است، و واجب است که برای هر شبی یک گوسفند ذبح نماید. و احتیاط آن است که اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله و عذر دیگر، مثل بیماری و پرستار بودن ترک کرد یک گوسفند ذبح نماید، هر چند گناه نکرده است.

مسئله ۲۱۴. برای کسی که این شبها را به عبادت در مکه احیا کند، و بکار دیگر غیر از عبادت مشغول نباشد مگر کارهای ضروری، مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضو، ماندن در منی واجب نیست و کفاره ندارد.

### رمی جمرات سه گانه

مسئله ۲۱۵. واجب است در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات، یعنی انداختن هفت سنگریزه به سه جمره، به این ترتیب:

اول - جمره اولی.

دوم - جمره وسطی.

سوم - جمره عقبه.

پس اگر برخلاف این ترتیب رمی می کند باید دوباره آن چه را برخلاف ترتیب انجام داده از سر بگیرد که ترتیب بعمل آید. پس اگر مثلاً اول به جمره وسطی سنگ انداخت، و بعد به جمره اولی، باید رمی جمره وسطی را دوباره انجام دهد و بعد از آن رمی جمره عقبه را بجا آورد.

مسئله ۲۱۶. در روز سیزدهم نیز بر کسی که ماندن شب بر او به شرحی که گفته شد واجب شده باشد، رمی جمرات سه گانه واجب است.

مسئله ۲۱۷. اگر چهار سنگ به جمره انداخت و از روی فراموشی مشغول رمی جمره بعد شد کفایت می کند، و سه سنگ باقی مانده را بعد از آن به جمره ای که چهار سنگ زده بزند، و اگر عمداً باشد احتیاط لازم آن است که با رعایت ترتیب رمی را دوباره انجام دهد، چنان که احوط الحاق جاهل است به عامد.

مسئله ۲۱۸. واجبات دیگر رمی، به شرحی است که در اعمال منی در رمی عقبه گفته شد.

مسئله ۲۱۹. اگر کسی رمی جمرات سه گانه را سهواً یا عمداً اگر چه جاهل باشد ترک کرد، باید اگر به مکه یا خارج مکه هم رفته تا ایام تشریق نگذشته برگردد به منی، و رمی را بجا آورد، و اگر متمکن از رجوع نیست نایب بگیرد و اگر تا ایام تشریق خودش یا نایبش بجا نیاورد، باید در سال بعد خودش یا نایبش رمی را قضا نماید در ایام تشریق.

مسئله ۲۲۰. اگر کسی مریض باشد و مأیوس باشد از این که بتواند در وقتی که گفته شد رمی نماید، دیگری با نیابت او رمی کند، و اگر ممکن باشد سنگ را بدست خود بگیرد، و دیگری رمی کند، و اگر خوب شد اعاده رمی لازم نیست، اگر چه احوط آن است که در صورتی که در ایام تشریق خوب شود خودش آن را بجا آورد.

مسئله ۲۲۱. کسی که عمداً رمی جمرات را ترک کند حش باطل نمی شود ولی گناه کرده.

مسئله ۲۲۲. اگر کسی نتواند بواسطه عذری در روز، رمی کند، می تواند در شب قبل از آن روز، آن را انجام دهد.

مسئله ۲۲۳. اگر رمی یک روز را فراموش کرد روز دیگر یادش آمد، باید اول قضای رمی روز گذشته را انجام دهد، و بعد رمی واجب آن روز را بجا آورد.

مسئله ۲۲۴. کسی که بر او ماندن شب سیزدهم در منی واجب نیست، لازم نیست روز سیزدهم رمی جمرات نماید.

### مستحبات منی در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم



است، و بطن خود را به آن بچسباند، پس دور ستون بگردد و ظهر و بطن خود را به آن ستون بمالد، و چون خواست بیرون آید نردبان را بدست چپ بگیرد، و نزدیک کعبه دو رکعت نماز بخواند.

مسئله ۲۳۰. مستحب است بسیار طواف کردن، و آن برای حاجیان از نماز مستحبی بهتر است، لکن در سعی غیر از سعی واجب در هر یک از حج و عمره مشروع بودن آن، چه برای خود و چه به نیابت از غیر، محل اشکال است.

مسئله ۲۳۱. مستحب است طواف به نیابت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرات دوازده امام علیهم السلام، و به نیابت پدر و مادر و زن و فرزند، و اهل شهر و سایر مؤمنین و ثواب آن بسیار است و ممکن است یک طواف به نیابت چند نفر بجا آورد.

مسئله ۲۳۲. مستحب است بجا آوردن سیصد و شصت طواف به عدد ایام سال و اگر نتوانست سیصد و شصت دور طواف کند که پنجاه و یک طواف و سه شوط می‌شود و چون هر طواف باید هفت دور باشد چهار دور دیگر بر آن اضافه کند که پنجاه و دو طواف شود.

مسئله ۲۳۳. مستحب است ختم قرآن مجید در مکه، و مشرف شدن به مکان ولادت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و منزل حضرت خدیجه ام المؤمنین، و زیارت قبر حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و آمنه مادر مکرمه پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبر خدیجه ام المؤمنین که در حجون معروف است، و رفتن به غار حرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در ابتدای بعثت در آن عبادت می‌کردند و رفتن به غار ثور.

### دستور عمره مفرده

مسئله ۲۳۴. بعد از انجام اعمال حج عمره مفرده مستحب است و فاصله بین عمره مفرده بعد از حج و عمره تمتع معتبر نیست پس می‌تواند بلافاصله بعد از انجام حج تمتع، عمره مفرده بجای آورد. بلی اگر عمره مفرده‌ای را برای خودش انجام داده باشد و بخواهد مکرراً برای خودش بجای آورد و یا برای دیگری بجای آورده و بخواهد مکرراً برای همان شخص بجا آورد چون در همان ماهی است که عمره اولی را بجای آورده عمره دوم را رجاءاً بجا آورد ولی در تکرار عمره به قصد اشخاص مختلف فصل معتبر نیست.

مسئله ۲۳۵. میقات احرام عمره مفرده ادنی الحلال است و مقصود از آن اولین مکان خارج حرم است از هر طرف و بهتر احرام بستن از جعرانه یا تنعیم یا حدیبیه است.

مسئله ۲۳۶. در عمره مفرده بعد از احرام، طواف و نماز طواف و سعی و تقصیر کند، و طواف نساء و نماز آن لازم است، و تا بجا نیاورد زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی‌شود.

### طواف وداع

مسئله ۲۳۷. چون بخواهد از مکه بیرون رود مستحب است غسل کند، و طواف وداع بجا آورد، و در هر دوری دست یا بدن به حجرالاسود و رکن یمانی برساند، و چون به مستجار رسد دعاهائی را که پیش از این گفته شد بخواند، پس به نزد حجرالاسود بیاید، و خود را به خانه بساید، و یک دست به حجرالاسود گذارد و دست دیگر بجانب خانه بگشاید، و حمد و ثنای خداوند متعال را بجا آورد، و صلوات بر محمد آل محمد علیهم السلام بفرستد، و مستحب است که از در حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود، و عزم کند که دوباره به حج برگردد، و از خدا بخواهد که به او توفیق مراجعت عنایت فرماید، و در وقت بیرون رفتن یک درهم خرما بگیرد و تصدق بدهد بر فقرا، برای احتمال آن که در حال احرام از روی غفلت بعضی محرمات حال احرام را مرتکب شده باشد.

## استفتاءات حج

س - اگر کسی نذر احرام پیش از میقات کرده باشد و پیش از میقات محرم شود و بعد از ورود به جدّه وسایل حرکت او به مدینه فراهم شود، آیا می‌تواند محلل شود و به مدینه برود و بعد از آن میقات دیگر محرم شده و وارد مکه شود؟

ج - انصراف از نیت احرام، سبب بیرون آمدن از احرام نمی‌شود، و با آن که احرام بسته، تجدید به نحو جزم مشروع نمی‌باشد، بلی رجاء بخوهد در مسجد شجره تجدید نیت کند مانعی ندارد.

س - اگر از حاجی در حال احرام عملی سرزند که موجب کفاره است حیوان کفاره را در کجا باید ذبح یا نحر کند؟

ج - در احرام عمره تمتع احوط آن است که در مکه ذبح یا نحر نماید، و اگر در احرام حج است باید در منی نحر یا ذبح کند، و اگر عمداً یا از روی فراموشی در این دو مکان ذبح نکرد، در صورت امکان باید نایب بگیرد که از طرف او در منی یا مکه ذبح نماید، و اگر ممکن نشد هر چند به واسطه عدم دسترسی به فقیر مؤمن در مکه و منی باشد در شهر خودش یا در جای دیگر رجاءاً ذبح نماید.

س - در حیوان کفاره نیز، رعایت شرایط حیوان قربانی در منی لازم است یا خیر؟

ج - احتیاطاً مستحب رعایت آن شرایط است.

س - سجده کردن بر سنگ‌هایی که مسجدالحرام و مشاهد مشرفه به آن فرش شده، از سنگ مرمر و غیره آن جایز است یا خیر؟

ج - بلی جایز است، و معادنی که سجده بر آن جایز نیست معادنی است که عرفاً به آن‌ها زمین گفته نمی‌شود مثل طلا و نقره و عقیق و مس و سایر فلزات.

س - اگر جامه احرام را با پول خمس یا زکات نداده خریده باشند، احرام در آن صحیح است یا خیر؟

ج - اگر به عین آن پول معامله واقع شده باشد احرام در آن جایز نیست، و هم چنین اگر خود جامه احرام متعلق خمس شده باشد محرم شدن در آن جایز نیست، و طواف در آن باطل است ولی اگر آن را با پول کلی خریده باشد احرام در آن ضرر ندارد هر چند در مقام پرداخت قیمت، پول خمس یا زکات نداده را بدهد لکن ذمه او به مقدار خمس یا زکات بری نمی‌شود، و ضامن آن مقدار خمس و زکات می‌باشد.

س - در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام به واسطه ازدحام و کثرت جمعیت، ممکن نمی‌شود که در موقع نماز طواف، مرد یا زن

طوری بایستند که محاذی هم نباشند و یا زن، جلو مشغول نماز نباشد، در این صورت نماز آن‌ها صحیح است یا خیر؟

ج - بلی صحیح است.

س - کسی که می‌دانسته است در سعی باید از صفا شروع و به مروه ختم کند، ولی جای آن‌ها را نمی‌دانسته و از کسی پرسیده و او

مروه را بجای صفا به او نشان داده، و بنا به گفته او از مروه شروع به سعی کرده، پس از این که هفت مرتبه سعی انجام داده، ملتفت

اشتباه شده، و یک مرتبه دیگر سعی نموده، آیا سعی او صحیح است یا خیر؟

ج - احوط اعاده سعی است.

س - اگر زن بعد از اعمال حج در منی حائض شود، و به مکه بیاید، و پیش از آن که پاک شود ناچار به رفتن از مکه شود، مثل این

که همراهان او عازم مراجعت باشند، آیا می‌تواند برای طواف حج و نماز آن، و طواف نساء و نماز آن، نایب بگیرد؟

ج - بلی لازم است بر او که نایب بگیرد، و بعد از آن که نایب، طواف حج و نماز آن را انجام داد، خودش سعی را بجا آورد، و بعد

از سعی برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

س - کسی که حج تمتع بجا می‌آورد اگر پس از احرام و بعد از وارد شدن به حرم فوت شود، کفایت از سایر اعمال حج می‌نماید یا

باید برای او نایب گرفته شود؟

ج - کفایت می‌کند و گرفتن نایب لازم نیست خواه حج خودش باشد یا نایب از غیر باشد.

س - اگر زن پس از اعمال حج اثر عادت در خود ببیند و شک کند که پیش از انجام عمل، حیض شده یا بعد از تمام شدن اعمال، حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اعتنا به این شک نکند و حج او محکوم به صحت است.

س - کسی که با احرام عمره تمتع وارد جدّه شد، و به واسطه نبودن وسیله، احرام را به هم زد و رفت به مدینه منوره، که در مراجعت، از مسجد شجره محرم شود حکمش چیست؟

ج - شخص مذکور اگر احرام اول او صحیح بوده تا اعمال عمره را تمام نکند از احرام بیرون نمی‌رود، اگر چه قصد به هم زدن آن را کرده باشد، و باید با همان احرام، عمره را تمام کند، و تجدید احرام، بعد از برگشت از مدینه لازم نیست، لیکن اگر بخواهد رجاء در مسجد شجره تجدید احرام کند مانعی ندارد، ولی لازم نیست، و اگر به گمان اینکه احرامش به هم خورده مرتکب یکی از محرمات شود، حکم آن در احکام محرمات احرام گفته شد.

س - شخصی که به احرام عمره تمتع، در ماه شوال و ذی قعدة و ذی حجه وارد مکه معظمه شود و بعد از اتمام عمره قصد رفتن به مدینه یا محل دیگری کرد که در مراجعت از میقات، مجدداً احرام ببندد آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج - کسی که عمره تمتع را بجا آورده و محل شده، تا حج را بجا نیاورد جایز نیست از مکه بیرون رود مگر برای حاجت، که در این صورت می‌تواند از سه روز پیش از ترویبه در مکه محرم شود به احرام حج تمتع، و بعد برای انجام حاجت خود از مکه بیرون برود، و پس از مراجعت، با همان احرام، باقی اعمال حج را بجا آورد. اما قبل از سه روز در صورتی که ترک خروج برای او حرجی باشد می‌تواند بدون احرام بیرون برود، پس اگر مراجعتش در همان ماهی باشد که عمره اولی را بجا آورده همان عمره اولی کافی است، و جایز نیست دوباره محرم شود به احرام عمره، و اگر در غیر آن ماه باشد باید در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود، و بعد از وارد شدن به مکه عمره تمتع را انجام دهد و عمره اولی مفرد می‌شود، و بعد محرم به احرام حج شود.

س - كفاره كشتن ملخ در حال احرام چیست؟

ج - يك كف طعام يا يك دانه خرما است به طور تخيير، و اگر هر دو را بدهد بهتر است.

س - اگر ملخ را در حال احرام بکشد و بخورد كفاره آن چیست؟

ج - يك گوسفند قربانی بر او واجب می‌شود.

س - اگر ملخ بسیار باشد و همه آنها را بکشد حکم آن چیست؟

ج - احوط آن است که اگر بیشتر از یک ملخ کشته باشد یک گوسفند قربانی کند، و احوط از آن، ضمیمه ساختن یک كف طعام و یک دانه خرما است.

س - اگر از جهت زیادی ملخ در بین راه نتواند خود را از کشتن آنها حفظ نماید چه کند؟

ج - در این صورت چیزی بر او واجب نیست.

س - روزه گرفتن در روزهای تشریق جایز است یا نه؟

ج - بر کسی که در منی باشد حرام است، و روزه عید قربان بر همه کس حرام است.

س - طواف نساء و نماز آن که اگر در عمره مفرد و در حج بجا آورده نشود زن حلال نمی‌شود، بر زن‌ها نیز این طواف و نماز آن لازم است یا نه؟

ج - بلی بر زن نیز لازم است و تا آن را بجا نیاورد مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه اگر طفل را هم محرم نمودند طواف نساء او هم



لازم است، و تا طواف نساء او انجام نشود زن بر او حلال نمی‌شود.

س - نماز طواف مستحب، واجب است یا مستحب؟

ج - مستحب است.

س - در حرم بر محل، صید کردن حرام است یا نه؟

ج - هر صیدی که بر محرم در حال احرام حرام است بر محل نیز در حرم حرام است.

س - کسی که بدون وصیت فوت نموده و مستطیع نیز بوده است، آیا حج بلدی برای او واجب است یا غیر بلدی هم کفایت می‌کند؟

ج - حج میقاتی کفایت می‌کند.

س - زن‌ها در حال احرام می‌توانند جوراب بپوشند یا بایستی روی پای آن‌ها مثل مردان باز باشد؟

ج - اقوی جواز پوشیدن جوراب است برای زن.

س - بر حسب فتوای حضرت مستطاب عالی جایز است که محرم، در منزل زیر سقف و سایه برود یا چتر بر سر بگیرد، آیا مراد از منزل، شهر مکه است یا منزلی که در شهر مکه دارد، و هم چنین در منی و عرفات؟

ج - مراد از منزل، محل نزول است، در مقابل حال طی طریق، پس در شهر مکه و منی و عرفات و قهوه خانه‌های بین راه و امثال آن، برای محرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن استظلال مانعی ندارد، هر چند درآمد و شد برای حوائج باشد.

س - پوشیده شدن روی پا در حال احرام در موقع نشستن، یا آمدن جامه احرام روی پا، در حال سیر، یا در منزل چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

س - در منزل سر روی بالش نرم گذاشتن که باعث پوشیدن مقداری از سر می‌شود چه صورت دارد؟

ج - سر روی بالش گذاردن مانعی ندارد.

س - در اثر هجوم جمعیت، وقت بوسیدن حجرالاسود ممکن است جامه احرام بعضی از حاجیان سر آن‌ها را یا سر سایر حجاج را بپوشاند، اگر تصادفاً این طور شد چه صورت دارد؟

ج - در صورت تصادف اشکال ندارد.

س - محرم اگر روی لباس دوخته یا پتوی دوخته بنشیند یا بخوابد، یا زیر پتوی دوخته یا لحاف بخوابد، چه صورت دارد؟

ج - اقوی جواز آن است، لیکن پتو و لحاف را بخود نیچد که مثل لباس شود.

س - در غیر حال طواف و نماز آن اگر جامه احرام یا بدن محرم نجس شود، مثل نجس شدن بدن یا لباس در قربانگاه، آیا برای حرام او اشکال دارد یا نه؟

ج - برای احرام او اشکال ندارد ولیکن احوط آن است که در صورت امکان تطهیر یا تبدیل نماید.

س - نظر حضرت عالی درباره کسی که در عمره مفرده نماز طواف نساء را نخوانده، و به ولایت خود مراجعت کرده چیست؟

ج - اگر برگشتن به مسجدالحرام برای او دشوار باشد می‌تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد.

س - شخصی به واسطه ندانستن مسأله، طواف نساء را بجا نیاورده، ولی نیت طواف مستحب کرده، به این نیت که این طواف را برای هر نقصانی که در طواف داشته ام قربۀ الی الله بجا می‌آورم، و بعد از گذشتن یک سال ملتفت شده آیا این طواف او، از طواف نساء کفایت می‌کند؟

ج - در مورد سؤال احوط آن است که بعد از التفات، با زن نزدیکی نکند، و در صورت تمکن برود طواف نساء را خودش بجا

آورد، و اگر مشقت دارد نایب بگیرد که برای او طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، اگر چه در غیر ماه حج باشد.

س - در حج لازم است که طواف نساء و نماز آن را بعد از طواف حج و نماز و سعی بجا آورد یا خیر؟

ج - بلی لازم است طواف نساء را بعد از سعی بجا آورد، و اگر عمداً مقدم داشت اعاده آن با نمازش بعد از سعی لازم است، و در صورت جهل و فراموشی اعاده آن احوط است، و اگر خودش نمی‌تواند اعاده کند نایب بگیرد.

س - کسی که عمره مفرده استحبابی بجا می‌آورد، اگر طواف نساء آن را عمداً اگر چه جاهل به حکم باشد یا سهواً ترک کند، آیا زن بر او حرام می‌شود؟

ج - بلی تا طواف نساء را بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، و از این جهت فرقی میان عمره مفرده واجب و مستحب نیست.

س - در صورتی که جهلاً نماز را قبل از طواف بجا آورد تکلیف او چیست؟

ج - نماز را دوباره بجا آورد.

س - اگر نماز طواف حج را بعد از سعی بجا آورد آیا لازم است برای حفظ ترتیب، سعی را اعاده نماید؟

ج - احتیاط مستحب اعاده سعی است.

س - اگر جهلاً سعی را بر طواف زیارت مقدم دارد چه حکمی دارد؟

ج - احتیاط واجب آن است که سعی را اعاده نماید.

س - روی صفا و مروه طاقی زده شده محاذی زیر، آیا سعی را در طبقه فوقانی صحیح می‌دانید یا خیر؟

ج - در صورتی که فوقانی بلندتر از کوه صفا و مروه نباشد به طوری که سعی بین دو کوه صدق بکند مانعی ندارد.

س - آیا لازم است که تقصیر در عمره تمتع را بعد از سعی، بدون فاصله بجا آورد یا نه؟

ج - قبل از احرام حج تقصیر نماید کافی است، و مدرکی برای فوریت آن به نظر نرسیده.

س - آیا اجازه می‌دهید که در حال ضرورت، یک نفر به نیابت از چند نفر قربانی نماید؟

ج - در قربانی مباشرت شرط نیست، و می‌تواند وکیل این کار را انجام دهد، هر چند ضرورت نباشد لکن باید در حین قربانی قصد کند که این گوسفند قربانی زید است مثلاً و اگر چه گوسفند به قصد چند نفر قربانی کند بدون قصد تعیین، صحیح نیست.

## آداب تشریف به مدینه طیبه و زیارت

حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

مسأله ۲۳۸. یکی از مستحبات مؤکده مخصوصاً برای حاجیان، زیارت مرقد منور و روضه مطهره حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و مراقد مقدسه اهل بیت علیهم السلام و خصوصاً حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام است. و در حدیث وارد شده که ترک زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از حج، جفا بر آن حضرت است، و شرح فضایل و ثواب و آداب زیارت هر یک با زیارت‌هایی که وارد شده، در کتاب‌های دعا و زیارت مفصلاً مذکور است، که سزاوار است به آن کتاب‌ها رجوع شود، و بطور اختصار به بعضی مستحبات و آداب اشاره می‌شود.

۱. مستحب است پیش از ورود به شهر مدینه یا پس از ورود به آن غسل کردن، و هم چنین مستحب است غسل، برای ورود در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و برای زیارت آن حضرت، و اگر در غسل اول هر سه را نیت کند کافی است.

۲. از باب جبرئیل وارد شود.

۳. اذن دخول بخواند.

۴. با آرامی و وقار وارد مسجد شود.

۵. در وقت ورود دعاهائی را که وارد شده بخواند.

۶. دو رکعت نماز تحیت بجا آورد.

۷. سلام دادن به آن حضرت از جانب پدر و مادر و همراهان.

۸. دو رکعت نماز برای زیارت، و هدیه نمودن ثواب آن برای آن حضرت.

۹. نزد منبر ایستادن، و حمد و ثنای خدا بجا آوردن و دعا کردن.

۱۰. نماز و دعا در مقام جبرئیل علیه‌السلام

۱۱. نماز در خصوص روضه (بین قبر و منبر).

۱۲. نماز در بیت فاطمه علیها‌السلام.

۱۳- صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقت ورود و خروج از مسجد.

۱۴. نماز در مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله.

۱۵. دو رکعت نماز نزد اسطوانه ابی لبابه معروف به اسطوانه توبه، و خواندن نمازهای وارده.

۱۶. مواظبت بر اداء نمازهای واجب در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله.

و بر حسب بعض روایات، ثواب نماز در مسجد آن حضرت

معادل با هزار نماز در مساجد دیگر غیر از مسجد الحرام، و در بعض روایات برابر ده هزار نماز است.

۱۷. در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله صدا را بلند نکنند.

۱۸. در مدینه از تصدق به فقیر هر چه می‌تواند کوتاهی نکنند و هم چنین بسیار تسبیح و ذکر بگویند، و قرائت قرآن بکنند و استغفار بنمایند و صلوات بسیار بفرستند.

۱۹. زیارت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در خانه آن حضرت، و بین قبر و منبر (روضه) و در بقیع بنمایند.

۲۰. زیارت فاطمه بنت اسد علیها‌السلام مادر محترمه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۲۱. زیارت جناب حمزه و سایر شهداء احد در احد.

۲۲. رفتن به مسجد قبا و مشربه ام ابراهیم فرزند رسول خدا، و مسجد فضیخ که در آن ردّ شمس برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام شده، و مسجد احزاب و مساجد دیگر که در این مساجد نماز خواندن خصوصاً مسجد قبا فضیلت بسیار دارد.

۲۳. مستحب است نماز در مسجد غدیر خم که در بین مکه و مدینه در طرف رابع واقع است.

## آداب زیارت

مدینه منوره

## آداب زیارت مدینه منوره

اما زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله.

شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله یا در یکی از مشاهده مشرفه ائمه

طاهرین علیهم السلام پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي عَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سِلَامِي، وَأَنْتَ حَاجِبٌ عَنِّي سَمِعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ

نام آن امامی را که زیارت کند ذکر می کند و هم چنین نام پدرش را ببرد مثلا اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید:

الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ....

و هكذا پس بگوید:

وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِدَلِيكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِدَلِيكَ.

پس داخل شو و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

زیارت اول

کیفیت زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله

اما کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم چنین است هر گاه وارد شدی به مدینه پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم پس غسل کن برای زیارت و چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی، بایست نزد در و بخوان اذن دخول را و داخل شو از در جبرئیل و مقدم بدار پای راست را در وقت دخول پس صد مرتبه الله اکبر بگو پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار و برو به سمت حجره شریفه و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرَّسَالَةَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلِّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر مطهر است و رو به قبله که دوش چپ بجانب قبر باشد و دوش راست بجانب منبر که موضع سر رسول خدا صلی الله علیه وآله است و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رَسُولَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَبْتَ لِمَتِّكَ، وَجَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ، وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِهَذَا الَّذِي اسْتَنْقَدْنَا بِكَ مِنَ الشُّرُكِ وَالضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ

وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا، يُعْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)، وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَعْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَيَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتُوجِّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي

ذُنُوبِي.

و اگر ترا حاجتی باشد رو به قبله کن و دست‌ها را بردار و حاجت خود را بطلب بدرستی که سزاوار است که برآورده شود این شاء الله تعالی.

پس زیارت کن حضرت فاطمه سلام الله علیها را از نزد روضه مطهره و مستحب است که بگویی:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ صَفِيٍّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ امِينِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوْلَیْنَ وَالْاٰخِرِينَ. اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الصَّديقَةُ الشَّهِيدَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمَرْضِيَّةُ الرَّضِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْاِنْسِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّفِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَعْصُوبَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُقْهَوْرَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَبَنِيكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، صَلَّيْ اللَّهُ عَلَیْكَ وَعَلَى رُوحِكَ، وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلُهُ وَمَلَائِكَتُهُ، أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ مَوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغَضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثَبِّباً.

پس صلوات می فرستی بر حضرت رسول و ائمه علیهم السلام. زیارت دوم

زیارت دوم زیارتی است که سید بن طاووس علیه‌الرحمه نقل نموده:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَّجِ عَلَى النَّاسِ اَجْمَعِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا.

پس بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَمَّتِكَ وَابْنَةِ نَبِيِّكَ وَرَوْجِهِ وَصِي نَبِيِّكَ، صَلَاةً تُزَلِّفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَاهْلِ الْاَرْضِينَ.

که روایت شده است که هر که به این زیارت آن حضرت را زیارت کند و از خداوند طلب آمرزش کند حق تعالی گناهانش را بیامزد و او را داخل بهشت نماید و بعضی از علماء این زیارت را اختصاص داده‌اند به روز وفات آن مظلومه که سوم جمادی الثانی

باشد و صلوات بر آن مظلومه این است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقَةِ فَاطِمَةَ الرَّكِيَّةِ حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَامُّ اِحْبَابِكَ وَاصِفِيَّاتِكَ الَّتِي اَنْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَحْفَ بِحَقِّهَا وَكُنِ الثَّائِرَ اَللّٰهُمَّ بِدَمِ اَوْلَادِهَا، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا اُمَّ اَيُّمَةِ الْهُدَى وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَا، وَالْكَرِيْمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْاَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى اُمِّهَا صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ اَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَرِّ بِهَا اَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا، وَابْلَغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ.

در بحارالانوار از تهذیب نقل می کند از ابراهیم بن محمد عربیسی که حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند: وقتی که موفق شدی به زیارت جدّه خود فاطمه سلام الله علیها بگو:

يَا مُمْتَحَنَةُ اُمَّتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا اُمَّتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا اَنَا لَكَ اَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ اَبُوكَ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاتَانَا بِهِ وَصِيَّةً، فَاِنَّا نَسْأَلُكَ اِنْ كُنَّا صِدْقًا اِلَّا الْحَقِّقْنَا بِتَصَدِّيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ اَنْفُسِنَا بِاَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام.

چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را باید بعمل آوری آنچه در آداب زیارت ذکر شد از غسل و طهارت و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و رخصت طلبیدن در دخول و نحو اینها و نیز بگو:

يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَإِبْنُ أُمَّتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، وَالْمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ، قاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ، ءَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُخَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.

و بعد از خضوع و خشوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لَهُ بِ كَثِيرًا، وَسَيُبْحَانُ اللَّهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لَهَا الْفَرْدُ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْوَاحِدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنْ بَطَّوَلَهُ، وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.

پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَيُّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَيْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْإِيْمَةُ

الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَرَالُوا بَعِيْنَ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَ مَبْتَتِكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا، إِذِ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَائِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْتَجِينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَضْيِيقِنَا إِذَاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَأٍ وَأَسِيْتِكَانٍ وَأَقْرَبِ مَا جَنَى، وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخُلَاصِ، وَأَنَّ يَسِيْتَنَقِدُهُ بِكُمْ مُسِيْتَنَقِدُ الْهَلْكَى مِنَ الرَّدى، فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا، وَأَسِيْتَكَبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسِيْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي، وَعَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صِيَدَ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَلَا تُخَيِّبْنِي فِي مَا دَعَوْتُ بِحُزْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی و بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن یعنی از برای هر امامی دو رکعت.

## زیارت امین الله

که در جمیع روضات مقدسه باید به آن مواظبت نمود از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مأثور است که به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، نزد قبر ایستاد و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

(اگر زیارت برای غیر امیرالمؤمنین خوانده شود) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ در آن گفته نمی شود، بلکه رجاءاً نام امامی را که زیارت می کند ببرد و بعد بدون هیچ تغییری زیارت را تا آخر بخواند لیکن در قبرستان بقیع که قبور شریفه چهار امام در آن جا است



هر گاه همه آن بزرگواران با هم بی‌یک مرتبه زیارت امین الله خواندن زیارت شوند زیارت را باین نحو شروع کند.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أُمَّنَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّجَهُ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتُمْ بِكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتُمْ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكُمْ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَتَبَضُّكُمْ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَّ أَعْدَاءَكُمْ حُجَّجَهُ مَعَ مَالِكُمْ مِنَ الْحُجَّجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، وَ

از جمله (اللَّهُمَّ اجْعَلْ).

بدون تغییر زیارت را تا آخر بخواند.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لَصِفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَيِّمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحِهِ لِقَائِكَ، مُتَرَوِّدَةً لِلتَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ.

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَوَىٰ وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامُ الْفَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْتِدَةٌ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنَابِ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةٌ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِغَاثَةُ لِمَنْ اسْتَيْغَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَيْعَانَ بِكَ مَبْدُودَةٌ وَعِدَاتُكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ وَزَلَّلَ مِنَ اسْتِغْلَاكَ مُقَالَةً وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مُقْضِيَةٌ وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمُتَوَاتِرَةِ وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلُ الطَّمْأَمِ مُتْرَعَةٌ، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ تَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَىٰ مُنَايَ وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَتَوَايَ.

و در کامل الزیاره این اضافات مسطور است.

أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لَأَوْلِيَانَا وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا إِذَا نَا وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَىٰ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

### ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه

در زیارت ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم می‌ایستی نزدیک قبر و می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْفِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَيِّمَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَالسَّعِيدِ وَالصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا أَيَّتُهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السَّلَامَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّسِيمَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَةِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِعْنَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ فَتَقْلَكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًا مَرَضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُتَمَدِّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوَآكَ جَنَّةَ الْمَأْوَىٰ وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَىٰ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا وَائْمِي بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ



وَإِبْرَاهِيمَ نَجِّلَ نَبِيَّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُوراً وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْهُودَةً وَشُؤُنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً، اللَّهُمَّ وَأَحْسِنَ لِي التَّوْفِيقَ وَنَفِّسْ عَنِّي كَدْلَ هَمِّ وَضَيْقِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابِيكَ وَأَمْنَحْنِي ثَوَابَكَ وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتِكَ وَارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پس بخواه حاجات خود را و دو رکعت نماز زیارت بخوان.

زیارت جناب فاطمه بنت اسد والده محترمه امیرالمؤمنین علیه السلام می ایستی نزد قبر شریفش و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَانِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْأَهْلِ الشَّاهِدِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصُّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَزَيَّنَتْهَا لَوْلِي اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنَتْ الْكَفَالَةَ، وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَبَالِغَتْ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَةٌ بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةٌ بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَةٌ عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةٌ عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةٌ رِضَاءَهُ، مُؤَثَّرَةٌ هَوَاهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِيَّةً عَلَى اللَّهِ عَنَّا وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَبَشِّبْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتِهَا وَشَفَاعَةَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زَمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَمَدِينِكَ، اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَتِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقَنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

پس دو رکعت نماز زیارت می کنی و دعا می کنی به آنچه خواهی.

### زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار

پیغمبر صلی الله علیه و آله در احد

چون به زیارت آن حضرت رفتی می گویی نزد قبرش:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتَكَ مُتَّقِرًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، وَتَقَرُّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَتَيْتُكَ بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِحُكْمِ مَنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرِعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُغْمِهِ بَعِيدَةً، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا اسْتَخَطَّ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَفَرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سَرَوْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَجْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصَرَوْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَحَنَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِجُبِّهِ، وَرَعَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَاللَّهُمَّنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَخْسُرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَلَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ.

پس رو به قبله کن و دو رکعت نماز زیارت بجا آورد و بعد از فراغ خود را به قبر بحسبان و بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِجِيْرِنِي مِنْ نِقْمَتِكَ فِي

يَوْمَ تَكْتُمُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَتُشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ، وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ، وَإِنْ تَعَاقَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَلَا تُحَيِّنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ

حَاجَتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِغَيْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَاءِ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جَنَائِهِ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَأَنْظِرْ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فِيهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَلَا تُحَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا يَهْوُنَنَّ عَلَيَّكَ ابْتِهَالِي، وَلَا تَحْجُبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي، وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ، وَيَا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْغَرِيبِ الْمُسْرِفِ عَلَى الْهَلَاكَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْظِرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقِي بَعْدَهَا أَيِّدًا، وَأَرْحَمْ تَصَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَأَنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ، وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدَّ أَمَلِي، اَللَّهُمَّ أَنْ تَعَاقَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَجَزَاءِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا أَخِيَنَّ الْيَوْمَ، وَلَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَلَا تُحَيِّنَنَّ شُحُوصِي وَوَفَادَتِي، فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفْقَتِي، وَأَتَعَبْتُ بَدَنِي، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا حَوَّلْتَنِي، وَأَثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَيَّ نَفْسِي، وَلَدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ.

### زیارت قبور شهداء احد رضوان الله عليهم

اَلسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَلسَّلَامُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فِينَا عُنُقِي الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجِدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنْ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ زَيْفًا. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَأَنَّكُمْ لِمَنْ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُزْرَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرَّبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ، اَللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَتَبَيَّنِي عَلَى قَصْدِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لِاحِقُونَ. و می خوانی سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر را آن چه توانی.

### زیارت وداع

هر گاه خواستی از مدینه بیرون آئی غسل کن و برو نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و زیارت آن بزرگوار را بجا آور پس وداع کن آن حضرت را و بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَاسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَدَلَّلْتُ عَلَيْهِ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

و حضرت صادق علیه السلام (علی المحکی) در وداع قبر پیغمبر به یونس بن یعقوب فرموده بگو:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ لِاجْعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

## دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه

بِشَرِّ وَ بَشِيرِ فِرْزَنَدَانِ غَالِبِ رَوَايَتِ نَمُوْدَه‌اَنْد، كِه دَر رُوزِ عَرَفَه خِدْمَتِ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلِيْهِ السَّلَامِ رَسِيْدِيْمِ دَر حَالِي كِه اَن حَضْرَتِ بَا اَهْلِ بَيْتِ وَ فِرْزَنَدَانِ وَ پِيْرَوَانِشِ اَز خِيْمَه خَارِجِ شُدِه وَ دَر طَرَفِ چَپِ كُوهِ زِيْرِ اَسْمَانِ رُويِ پَا اِيَسْتَادِه دَسْتِ هَا رَا مَقَابِلِ صُورَتِ گِرَفْتِه وَ بِه حَالَتِ خُضُوْعِ وَ خُشُوْعِ كَامَلِ چِيْنِ مِي خُوَانَدَنْد:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَمْدُ لِيْهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصَيْدِنَا صَانِعٌ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ اجْنَاسَ الْبَيْدَانِ، وَاتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيْعُ عِنْدَهُ الْوُدَائِعُ، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَرَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّوْرِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعْوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا اِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءٌ يَغْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ اللَّطِيْفُ الْخَبِيْرُ، وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَرْغَبُ اِلَيْكَ، وَاشْهَدُ بِالرُّبُوْبِيَّتِهِ لِمَكَ، مُقَرًّا بِاَنَّكَ رَبِّيْ، وَاَنَّ اِلَيْكَ مَرْدِيْ، اِثْبَاتِيْ بِنِعْمَتِكَ قَبِيْلَ اَنْ اَكُوْنَ شَيْئًا مِذْكُوْرًا، وَخَلَقْتَنِيْ مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اَسِيَكْتَنِيْ الْاَصْلَابَ، اَمِنًا لِرِيْبِ الْمُنُوْنِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِيْنِ، فَلَمْ اَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ اِلَى رَحِمِ فِي تَقَادِمِ مِنَ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُوْنِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِيْ لِرَافِعِكَ بِي، وَ لُطْفِكَ لِي، وَ اِحْسَانِكَ اِلَيَّ فِي دَوْلَةِ اَيْمَةِ الْكُفْرِ، الَّذِيْنَ نَفَضُوْا عَهْدَكَ، وَ كَذَّبُوْا رُسُلَكَ، لِكِنِّكَ اَخْرَجْتَنِيْ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنْ الْهُدٰى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَ فِيهِ اَنْشَأْتَنِي، وَ مِنْ قَبِيْلِ ذٰلِكَ رُوِّفْتَ بِي، بِجَمِيْلِ صُنْعِكَ وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مِيْنِيْ يُمْنِي، وَ اَسِيَكْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلْ اِلَيَّ شَيْئًا مِنْ اَمْرِي، ثُمَّ اَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي

مِنْ الْهُدٰى اِلَى الدُّنْيَا تَامِيًا سَوِيًّا، وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمُهَيْدِ طِفْلًا- صَبِيًّا، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْعِمَادِ لَبْنًا مَرِيًّا، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوْبَ الْحَوَاضِنِ، وَ كَفَلْتَنِي الْاُمَمَاتِ الرُّوَاحِمَ، وَ كَلِمَاتِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيْمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى اِذَا اَسِيَتْهَلَّلْتَ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، اَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغِ الْاَنْعَامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى اِذَا اَكْتَمَلْتَ فَطْرَتِي، وَ اعْتَدَلْتَ مَرَّتِي، اَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِاَنَّ اَلْهُمَّتِي مَعْرِفَتَكَ، وَ رُوْعَتِي بَعْجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَ اَيْقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَاءِكَ وَ اَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَ تَبَهَّتِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ، وَ فَهَمَّتِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَ يَسَّرْتَ لِي تَقْبُلَ مَرْضَاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيْعِ ذٰلِكَ بِعُزُوْنِكَ وَ لُطْفِكَ، ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، وَ لَمْ تَرَوْضْ لِي يَا اِلٰهِي نِعْمَةً دُوْنَ اُخْرٰى، وَ رَزَقْتَنِي مِنْ اَنْوَاعِ الْمَعٰشِ، وَ صَيُّوْفِ الرِّيَاشِ، بِمَنَّكَ الْعَظِيْمِ الْمَاعْظَمِ عَلَيَّ، وَ اِحْسَانِكَ الْقَدِيْمِ اِلَيَّ، حَتَّى اِذَا اَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيْعَ النِّعَمِ، وَ صَيَّرْتَ عَلَيَّ كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَ جُرَاثِي عَلَيَّ اَنْ دَلَلْتَنِي اِلَى مَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ، وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لِمَدِيكَ، فَاِنْ دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِي وَاِنْ سَأَلْتُكَ اَعْطَيْتَنِي، وَاِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَاِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذٰلِكَ اِكْمَالٌ لِّاِنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَ اِحْسَانِكَ اِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيْدِ حَمِيْدٍ مَجِيْدٍ، وَ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ اَلْاَوْكُ، فَاَيُّ نِعْمِكَ يَا اِلٰهِي اُخْصِيْ عَدَدًا وَ ذِكْرًا، اَمْ اَيُّ عَطَايَاكَ اَقُوْمُ بِهَا شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُوْنَ، اَوْ يَنْبُلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُوْنَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّي.

اَللّٰهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ الصُّرَاةِ اَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَاةِ، وَاَنَا اَشْهَدُ يَا اِلٰهِي بِحَقِيْقَتِهِ اِيْمَانِي، وَ عَقْمِدِ عَزَمَاتِ يَقِيْنِي، وَ خَالِصِ صَرِيْحِ تَوْحِيْدِي، وَ بَاطِنِ مَكْتُوْنِ ضَمِيْرِي، وَ عَلَاقَتِي مَجَارِي نُوْرِ بَصِيْرِي، وَ اَسَارِيْرِ صِفْحَةِ جَبِيْنِي، وَ خُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَ خَذَارِيْفِ مَارِنِ عَزِيْبِي، وَ مَسَارِبِ سَمَاحِ سَمْعِي، وَ مَا ضَمَّتْ وَ اَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفْتَايَ، وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَ مَعْرُزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي، وَ مَنَابِتِ اَضْرَاسِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالِهِ اُمَّ رَاسِي، وَ بَلُوْعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُوْرُ صِيْدِرِي، وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِيْنِي، وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ اَفْلَاحِ حَوَاشِي كِبِدِي، وَ مَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيْفُ اَضْلَاعِي، وَ حِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَ قَبْضُ عَوَامِلِي، وَ اَطْرَافُ اَنَامِلِي، وَ لَحْمِي، وَ دَمِي، وَ شَعْرِي، وَ بَشْرِي، وَ عَصَبِي، وَ قَصْبِي، وَ عِظَامِي، وَ مَخِي وَ عُرُوْقِي، وَ جَمِيْعِ جَوَارِحِي، وَ مَا اَنْتَسِجَ عَلَيَّ ذٰلِكَ اَيَّامَ رِضَاعِي، وَ مَا اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِيْنِي، وَ نَوْمِي، وَ يَفْطَنِي، وَ سِيْكُونِي، وَ حَرَكَاتِ رُكُوْعِي وَ سِيْجُوْدِي، اَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ

مِیْدِی الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُوْدِي شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتِطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِه شُكْرُكَ أَيْدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مِیْدِی إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ مَا حَصَرَ زَنَاةَ عَدَدًا، وَلَا أَحْصَيْتَنَاهُ أَمِيدًا، هَيْهَاتَ أَنْی ذَلِكَ، وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبَأُ الصَّادِقِ (وَأَنْ تَعِدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا)، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنْبَاؤُكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِئَاؤُكَ وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوَسْئِعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا: الْحَمْدُ لِيهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِمَدًّا فَيَكُونُ مَوْزُونًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادُّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُزِفِدُهُ فِيمَا صَبَحَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لَهُ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَاءِهِ الْمُزْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ خَيْرَ تَهٍ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم.

سپس شروع به درخواست های خود از خداوند نمود، و در دعا اهتمام می‌ورزید، و در حالی که می‌گریست، می‌فرمود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْئِعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَلَا تُشَقِّقْنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِحْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالتَّوَرَّعَ فِي بَصِيرِي، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجِوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَآرِبِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي.

اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَاخْشِئْ شَيْطَانِي، وَفَسِّكْ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالأُولَى.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَيِّمِعًا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحِيمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَتِيًّا.

رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَاحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا كَلَّأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَيَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الأَرْضِ.

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَاقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاحْلُقْنِي، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْأَنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَبِسِرِّرِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَالِي غَيْرِكَ فَلَا تَكْلِبْنِي.

إِلَهِي إلی مَنْ تَكَلَّمْتَنِي، إلی قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إلی بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي، أَمْ إلی الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَيَّ مِنْ مَلَكْتَهُ أَمْرِي.

إِلَهِي فَلَا تُخَالِ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضَبْتِ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْتَلْكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكَتَبْتُمْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَيَّ غَضَبَكَ، وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَخْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِنُفْضِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عِمْدَتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي.

يَا إِلَهِي وَآلِهِ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَنَجِّسِينَ، وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالرُّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلِ كَهَيْعِصِ وَطِهَ وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُغَيِّبُنِي الْمَيَادِهُبُ فِي



سَعَيْهَا، وَ تَصَبَّ بِقِي الْأَرْضِ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقْبِلٌ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا سَيْتُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ.

يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعِ، فَأَوْلِيَاءَهُ بَعْرَهُ يَعْتَرُونَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمِدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْمَنُ وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَيِّدَ الْهَوَاءِ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْتَقِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجَبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعِيدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَفْقُوبَ بَعِيدَ أَنْ أَيْضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ، وَيَا مُمَسِّكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ دَنْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرُكْبِي يَا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فُزْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَتَقَ الْبَحْرَ لِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرُوبِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَي رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَشْفَدَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طَوْلِ الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا كَلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُّهُ وَنَادَوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ.

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا يَدِي، يَا يَدِيْعًا لَا تَدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا تَفَادُ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَمْتُ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَغْرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَّدَنِي عِنْدِي لَا تُحْصِي، وَنِعْمَهُ لَا تُجَازِي، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِضْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْيَمَانِ مِنْ قَبِيلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعُزِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَانًا فَارْوَانِي، وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَفَّرَنِي، وَغَائِبًا فَرَدَّنِي، وَمَقْلًا فَاعَانَنِي، وَمُنْتَصِرًا فَانصَرَّنِي، وَغَيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسِيًّا كُنْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَامَتِكَ مَنَحَكَ لَا أُحْصِيهَا.

يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَيَّرْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَفَوْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَّرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا.

ثُمَّ يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْهَا لِي، يَا إِلَهِي أَسِيأتُ، يَا إِلَهِي أَخْطَأْتُ، يَا إِلَهِي هَمَمْتُ، يَا إِلَهِي جَهَلْتُ، يَا إِلَهِي غَفَلْتُ، يَا إِلَهِي سَاهَوْتُ، يَا إِلَهِي اعْتَمَدْتُ، يَا إِلَهِي تَعَمَّدْتُ، يَا إِلَهِي وَعَدْتُ وَوَعَدْتُ، يَا إِلَهِي أَخْلَفْتُ، يَا إِلَهِي نَكَلْتُ، يَا إِلَهِي أَقْرَزْتُ، يَا إِلَهِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفُوقُ مِنْ عَمَلِ صَالِحِيًّا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي.

إِلَهِي أَمْرَتِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهْيَتِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبِرْ لِي فَاعْتَدِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةَ فَانْتَصِرْ، يَا إِلَهِي شَيْءٌ اسْتَشْبَلَكَ يَا مَوْلَايَ، أَسْمَعِي أَمْ بِبَصِيرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتِكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْبَاهِخَوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيَّ مِنْهُ إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَرَفُضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَاصِرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَاعْتَدِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَلَا حُجَّةٍ فَاحْتَرِجْ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى الْجُحُودُ، وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَأَنْي ذَلِكُ، وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمَلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مُهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ

تَعْفُ عَنِّي فَبِحَلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُشْتَعِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَخِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَسْبُوحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبَّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ.

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي بِالْإِثْمِ مُعِدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقْرَأًا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَشُبُوحِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْأَغْنَاءِ مِنَ الْفُقَرِ وَكَشَفِ الضَّرِّ وَتَشْيِيبِ الشَّيْبِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْيَدَيْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي الْأَوْكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتَمَّ عَلَيْنَا نِعَمَكَ، وَأَسْعَدَنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَحِبُّ الْمُضْطَّرَّ وَتَكْتَسِفُ الشُّوْءَ، وَتُغَيِّثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتُجَبِّرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمُكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عَضَمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطَانِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتْ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلَّيْتُهَا، وَآلَاءٍ تُجِدُّدُهَا، وَبَلَاءٍ تُضِيرُهَا، وَكَرْبَةٍ تَكْتَسِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَنْعَمُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْمُومٌ وَلَا سِوَاكَ مَيَامُومٌ، دَعْوَتُكَ فَاجِبَتْنِي، وَسَيِّئَتُكَ فَاعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَوَحَّيْتَنِي، وَوَقَفْتُ بِكَ فَجَبَّيْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي.

اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَيِّئْ لَنَا عَطَاءَكَ، وَاجْعَلْ لَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِأَبْنِكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ قَدْرًا، وَقَدَّرَ فَهْرًا، وَعَصَى فَسْتَرًا، وَاسْتُغْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاجِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُشْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَضِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُتَجَبِّينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَا، فَالَيْكَ عَجَبِ الْأَصْوَاتِ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسُمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَتُورِ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةً تُنْشِرُهَا، وَبَرَكَهٌ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقًا تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَاءِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَاعِنَّا عَلَى مَنَاسِكَ كِنَا، وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَاعْفُ عَنَا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَ، فَهِيَ بِذَلِكَ الْأَعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ.

اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَيَّلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ، نَافِذُ فِينَا حُكْمَكَ، مُحِيطُ بِنَا

عَلَّمَكَ، عَدَلْ فِينَا قَضَاؤُكَ، اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ.

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْمَاجِرِ وَكَرِيمِ الدُّخْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ، وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَيَلِّكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَرِدْتَهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَتَوَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَّرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ وَتَفَّنَا وَسَيِّدْنَا وَاعْصِمْنَا، وَقَبَّلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سِئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْجِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضَمَّرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسَّعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمُجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ.

اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَآمِنْ خَوْفِي وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ.

سپس آن حضرت علیه السلام سر به آسمان برداشته، و در حالی که بر گونه های شریفش اشک می ریخت، با صدای بلند می فرمود: یا سَمِعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَاسْتَلْكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي أَنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَعَّتَنِي، وَأَنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، اسْتَلْكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَكَانَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبَّ يَا رَبَّ.

و مکرر می گفت یا رب کسانى که همراه حضرت بودند گوش می دادند و فقط آمین می گفتند پس صداهايشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا آفتاب غروب کرد و روانه به طرف مشعرالحرام شدند.

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

یکی از مستحبات روز عرفه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است پس این زیارت را به قصد رجاء بخوان:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِبْغَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدِ الْمُضِطَّفِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارِ اللَّهِ وَابْنِ نَارِهِ وَالْوَارِثَ الْمَوْتُورَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِبَدْلِكَ فَرَضَتْ بِهِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآءُهُ وَرُسُلُهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا بَابَكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَمُنْفَلَجِي إِلَى رَبِّي، فَصَلِّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَابْنَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَابْنَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَى، وَإِمَامُ التَّقَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، غَدَتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُضِعَتْ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، وَرَبِّيتَ فِي حَجْرِ الْإِسْلَامِ، فَالْنَفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكِيَةٌ فِي حَيَاتِكَ، صَلِّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَبْرِيحَ الْعَبْرَةِ السَّابِكَةِ، وَقَرِينَ الْمَصِيبَةِ الزَّائِتَةِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَأَنْتَهَكْتَ فِيكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ، فَقَتَلْتَ صَلِّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ مَقْهُورًا، وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مُؤْتُورًا، وَأَصْبَحَ كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى خِدِّكَ وَأَيْبِكَ، وَأُمِّكَ وَأَخِيكَ، وَعَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ بَيْنِكَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، وَالشَّاهِدِينَ لِزُورِكَ، الْمُؤْمِنِينَ بِالْقُبُولِ عَلَى دُعَاءِ شِعْبَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بِنْتَ رَسُولِ



اللَّهُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمْتُ وَتَهَيَّاتُ لِقِتَالِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، تَوَسَّلْتُ وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشُّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِمَنَّةٍ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ.

سپس دو رکعت نماز بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ وَارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَيْدِيَّهٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمَامِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي، وَاجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي وَلِيِّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و در زیارت حضرت علی اکبر علیه صلوات الله بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ بَنَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنَ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِحَدِّكَ فَزَوَّجَتْ بِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و در زیارت سایر شهداء عليهم السلام بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدَاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ، وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ، صَلِّمُوا اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، يَا أَبَايَ أَنْتُمْ وَأُمِّي، طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده، هر کس زیارت کند آن حضرت را در هر کجا و در هر وقت به این کیفیت که بجانب راست و چپ نظر کند پس سر بجانب آسمان کند و این کلمات را بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

امید است که ثواب حج و عمره برای او نوشته شود بنابراین شایسته است کسانی که روز عرفه در عرفات هستند این سلام مختصر را نیز ترک نکنند.

## فهرست

فضیلت حج ۳

احکام حج ۴

اقسام حج ۴

- حج قرآن ۴

- حج افراد ۴

- حج تمتع ۵

- عمره تمتع ۵

مستحبات احرام عمره ۶

- مکروهات احرام ۸
- مواقیت احرام ۹
- احکام میقات ۱۰
- احکام احرام بانوان ۱۰
- نذر احرام پیش از میقات ۱۳
- واجبات احرام ۱۴
- ۲۵ چیز بر محرم حرام است ۱۵
- محل ذبح کفاره ۲۳
- طواف عمره ۲۴
- مستحبات داخل شدن به حرم ۲۴
- مستحبات داخل شدن به مکه معظمه ۲۵
- مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام ۲۵
- احکام طواف عمره تمتع ۲۷
- شرایط طواف ۲۸
- واجبات طواف ۳۰
- مستحبات و مکروهات طواف ۳۲
- نماز طواف ۳۴
- مستحبات نماز طواف ۳۵
- سعی ۳۶
- واجبات سعی ۳۶
- مستحبات سعی ۳۸
- تقصیر ۴۰
- مسائل حج تمتع ۴۱
- احرام حج ۴۲
- وقوف به عرفات ۴۴
- مستحبات و قوف به عرفات ۴۵
- وقوف به مشعر ۴۹
- اعمال منی در روز عید ۵۳
- رمی جمره عقبه ۵۳
- مستحبات رمی ۵۴
- قربانی ۵۵
- مستحبات قربانی ۵۷
- حلق یا تقصیر ۵۸

- مستحبات حلق و تقصیر ۵۹  
 واجبات بعد از اعمال منی ۵۹  
 مستحبات طواف زیارت و سعی و طواف نساء ۶۰  
 ماندن در منی در شب‌های تشریق ۶۱  
 شب‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ۶۱  
 رمی جمرات سه گانه ۶۱  
 مستحبات منی در روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ۶۳  
 مستحبات بازگشت به مکه برای طواف وداع ۶۴  
 دستور عمره مفرده ۶۵  
 طواف وداع ۶۵  
 استفتاءات حج ۶۶  
 آداب تشریف به مدینه طیبه و زیارت ۷۱  
 حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ۷۱  
 آداب زیارت ۷۳  
 مدینه منوره ۷۳  
 آداب زیارت مدینه منوره ۷۳  
 زیارت ائمه بقیع علیهم السلام ۷۶  
 زیارت امین الله ۷۷  
 ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه ۷۸  
 زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار ۸۰  
 زیارت قبور شهداء احد رضوان الله علیهم ۸۱  
 زیارت وداع ۸۱  
 دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه ۸۲

۵۵

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)  
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید  
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی  
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند  
 بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹  
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۳۵۷۰۲۳-۲۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

